

قَوْلُ الثَّقَلَيْنِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَوْلُ الثَّقَلَيْنِ

گفتار دو ثقل «قرآن و امامت»



فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۴.....	فصل اول
۴.....	مقدمات ظهور
۶.....	نشانه‌های ظهور
۱۰.....	اعتقاد همگان به وجود منجی و ظهورش
۱۴.....	فصل دوم
۱۴.....	منجی
۱۹.....	انتظار و منتظر
۲۳.....	آخرین دین، آخرین پیامبر، آخرین فرزند پیامبر
۲۵.....	امام عصر و دولت ظهور
۳۴.....	رسوایی منافقان، ظالمان و حسودان
۳۹.....	دسیسه‌ی دشمنان شیعه
۴۳.....	فصل سوم
۴۳.....	حضرت بقیة الله (عج)
۴۶.....	ظهور از دیدگاه احادیث و روایات صحیح و نادرست
۵۸.....	حقیقت ظهور

۷۱.....	فصل چهارم
۷۱.....	شناخت امام بر حق و نقش امامت در جامعه‌ی توحیدی
۷۸.....	چگونگی تربیت نفس اماره‌ی امت توسط امامان در دوران گذشته
نقش فردی در اطاعت از امامت و پیشبرد هدف امامت در رساندن پیام	
۹۰.....	پروردگار عالم
نزدیک شدن نفس انسان به مرحله‌ی تزکیه‌ی درونی و آمادگی پذیرفتن حقیقت	
۹۳.....	زندگی برزخی
۹۸.....	سخن آخر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه

در عصر حاضر مذهب شیعه که حقانیت آن غیرقابل انکار است از جانب سایر ادیان و قدرت‌های ظالم و کافر جهان با سرمایه‌گذاری‌هایی سرسام‌آور و دسیسه‌ها و حيله‌ها و سیاست‌های شیطانی مورد تهاجم قرار گرفته و با مشارکت سایر شاخه‌های اسلامی در سرلوحه‌ی نیت پلید آنان قرار گرفته است و با وسیله قرار دادن عوام و رخنه در جامعه‌ی ما و نشر اکاذیب و شعارهای ملی‌گرایانه سعی در تهی کردن جوانان از فرهنگ و باورهای بسیار مترقی شیعه کرده‌اند که متأسفانه علما نیز در رساندن این فرهنگ متعالی به جوانان و سایر اقشار جامعه کوتاهی کرده‌اند. همچنین عدم آشنایی امت شیعه و مسلمان به وجود مقدس امام عصر و زمان منجی عالم بشریت ابی‌صالح المهدی (عج) باعث به وجود آمدن باورهای غلط در مورد ایشان شده است و در این حرکت روایات و اکاذیبی وارد کتب و اسناد و باورهای شیعه شده که کمک زیادی به دشمنان در این تهاجم کرده است؛ لذا بر آن شدیم که این مقوله را از پایه مورد بررسی قرار دهیم که اولاً به اصولی که خود بدان ایمان داریم کاملاً واقف شویم، ثانیاً از این اعتقادات در جامعه و سطح جهان دفاع کنیم و تلاش کنیم که ان‌شاءالله از منتظران واقعی وجود مقدس مولایمان امام عصر و زمان (عج) قرار گرفته و این نجات و سعادت را از خداوند کریم مسئلت داریم.

شکر و سپاس پروردگار کریم و رحمان را سزاست که در عین ناسپاسی امت مسلمان، بهترین را برای مؤمنان حفظ فرمود؛ بهترین و کامل‌ترین گزینه‌ای که با استناد به آن می‌توان در مورد هر مسئله‌ای به باور و یقین رسید؛ به شرط آنکه مورد تحریف قرار نگرفته و ساخته و پرداخته‌ی ذهن عده‌ای دور از علم و مغرض نباشد. دو امانت گران‌بها و گهربار پیامبر خاتم حضرت محمد (ص)، قرآن و اهل‌بیت که هر دو در اصل یکی هستند؛ اهل‌بیت پیامبر گرامی اسلام (ص) قرآن ناطق و مصداق آیه‌ی تطهیر هستند که پروردگار کریم فرمودند:

﴿... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾
﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۳۳ سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب﴾ ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک دارد.

خداوند خاندان حضرت محمد (ص) را از رجس و پلیدی محفوظ داشتند و آن‌ها همان انوار قرآن کریم هستند انوار سوره و آیات الهی.

وجود مقدس پیامبر (ص) در وصیتی به امت خود چنین فرمودند: ای کسانی که در ضلالت بودید و پروردگار، شما را به واسطه‌ی کتاب از ضلالت به عزت رساند و نیز فرمودند: پیامبران مزدی از مردم نمی‌گیرند و بر آنچه به عهده‌ی آنان گذارده شده همچون مأموران الهی (فرشتگان) بدون تردید عمل می‌کنند، پس بعد از من به آنچه که برایتان می‌گذارم یقین کامل بیاورید و خود را مستحق آتش نکنید. به شما وصیت می‌کنم که از امانت‌های الهی خوب مراقبت کنید و آنان را میازارید. نور قلب من که نور آیات کریمه است فرزندان و جانشینان من هستند. من ثروت خود را به آنان بخشیدم و در حالی از دنیا می‌روم که به دنیا بدهکار نیستم و

دنیا به من بدهکار است پس به نوری که پروردگار کریم برایتان نازل نموده عمل کنید و قرآن کریم را چون بتان در جایگاه زیبا نگذارید و با آرایش‌های زیبا میاریبید؛ فرامین الهی را اطاعت کنید و با عمل، خود را از آتش قهر خداوند نجات دهید.

پس باید یقین داشت که دو امانت پیامبر گرامی اسلام در حقیقت یک امانت هستند چون اهل بیت، قرآن ناطق‌اند، ولی متأسفانه امت پیامبر قرآن را مهجور و به اهل بیتش ستم روا داشته و از قول آنان مطالبی دور از منطق و علم را سند نموده‌اند.

پس باید عقل را به کار انداخت و با تمسک به قرآن کریم، حق و باطل این اسناد را فهمید و باید توجه داشته باشیم که در درک این موضوع معیار قرآن و عقل است نه سخنان افراد عالم و اشخاص مهم، پس اگر سخنی از عالمی بیان شد و آن با قرآن و عقل منافات داشت مورد تأیید و قابل پذیرش نیست.

مطالب این کتاب همان‌گونه که از نام کتاب «قَوْلُ الثَّقَلَيْنِ» پیداست، با بهره گرفتن از آیات کریمه‌ی قرآن کریم و فرمایشات معصومین که امانت پیامبر گرامی اسلام است نگاشته شده و بر پایه‌ی اندیشه و تفکر استوار است که قضاوت آن را به عهده‌ی خوانندگان دور از تعصب و متفکر می‌گذاریم و در این رابطه فرج و گشایش عقلمان را از خداوند منان خواستاریم.

اللهم عجل لوليک الفرج

مقدمات ظهور

در این بخش مقدمات ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا له الفدا و تعریف عنوان منجی برای آن حضرت را بررسی می‌کنیم.

آنچه مد نظر امامت است تهی کردن جان آدمیان از ابهامات شیطانِ نفس است، پس ظهور در کنار تان است آن را به سینه بفشارید تا در نهانتان جای گیرد. (مولانا صاحب‌الزمان (عج))

برکات پروردگار عالم در لحظاتی است که قلب زمان، اسرار خویش را در نماد جان‌های عاشق به همگان می‌نمایاند و چشم‌های منتظر در دورنمای آینده به حقیقتی ایمان می‌آورد که زیربنای ایمانی مستحکم در برابر طوفان‌های کفر زمان حیاتشان است. امانت‌دارانی که صندوقچه‌ی جانشان در پرتو انوار هدایت از وسوسه‌ی نفس اماره در امان ماند تا اندیشه‌ها در قالب فکرشان آن را به تصویر کشند و امروز روزی پر نعمت و برکت از خانه‌ی غیب است که خوردگانش طعم ملکوتی‌اش را در ذائقه‌ی جانشان می‌شناسند؛ زبان‌ها به ستایش گشوده می‌شود و دیده‌ها در مدح و ثنایش متحیر می‌ماند؛ قلب‌ها در سینه‌ها بی‌قرار می‌شود؛ جان‌ها به اشتیاقش در قالب جسم نمی‌گنجد؛ دست‌ها به آسمانِ احسان پروردگار عالم گشوده می‌شود تا نامی را تکرار کند که کلید رمزِ صندوقچه‌ی امانت جان‌های عاشق است؛ آن نام، بقیه‌الله است که احسانش پایان نمی‌پذیرد و چراغ هدایتش خاموش نمی‌شود و دوران‌ها از برکتش بی‌نصیب نمی‌مانند؛ پس کشتی نوح نبی (ع) با نامش در دریای

احسان الهی به راه افتاد و با آن نام ایستاد تا همواره جاودانگی را ترسیم کند.

سلام و رحمت الهی آن زمان که جانها در تپش باطل به سوی نابودی قدم برمی‌دارند؛ نوای جاء الحق و زهق الباطل طنین‌انداز می‌شود؛ جهان به این ندا جانش را به اطاعت حق در می‌آورد؛ رهروان حق به سوی میعادگاه می‌شتابند تا دست ناتوانشان را به دست قوی و پر قدرت امامت بدهند؛ جانشان در پرتو حق می‌افروزد و پاهای مصممشان به سوی می‌شتابد؛ تاریکی جهل به عملی شکوفا بدل می‌شود که در شکوفایی‌اش نهان‌ها آشکار گشته و عقل‌ها در حیرت، سرانگشتان خویش را به دندان می‌گزند و ابراز می‌دارند: آنچه پروردگارمان وعده فرموده بود برایمان آشکار شد.

حدیث بالا توصیفی زیبا از زبان سرور عالمیان حضرت زهرا (س) در مورد دولت ظهور بود.

اللهم عجل لولیک الفرج

نشانه‌های ظهور

در این بخش بحث «نشانه‌های ظهور» را با استناد به آیات کریمه‌ی قرآن کریم، به یاری حق آغاز می‌کنیم.

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۱۹ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران﴾ هر آینه دین در نزد خدا دین اسلام است.

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۸۵ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران﴾ هر کس که دینی جز اسلام اختیار کند از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیان دیدگان خواهد بود.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۳۳ سوره‌ی مبارکه‌ی توبه﴾ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه‌ی آیین‌ها غالب گرداند؛ هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.

با در نظر گرفتن آیات فوق و آیات دیگری که صریحاً یا در بطن آن خداوند کریم فرموده که «دین در نزد خداوند فقط اسلام است» و آن را بر همه‌ی ادیان پیروز می‌گرداند و در قیامت از همگان فقط دین اسلام پذیرفته می‌شود. باید باور و یقین داشت که وعده‌ی خداوند کریم حق است و خلف وعده نمی‌کند و همچنین خداوند در روز غدیر با انتخاب امیر مؤمنان علی (ع) در آیه‌ی ۳ سوره‌ی مائده فرموده‌اند:

﴿... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۳ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده﴾ امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم.

خطاب خداوند رحمان در این آیه فقط افراد حاضر در واقعه‌ی غدیر نبودند، بلکه همه‌ی بشریت تا قیامت مورد خطاب هستند و حال با اطمینان از تحقق این امر، چگونه است که در عصر حاضر نه تنها اسلام دین غالب دنیا نشده بلکه در اقلیت نیز قرار گرفته است و فقط در گوشه‌ای از آسیا مانند کشورهای چین و ژاپن و هند نزدیک به ده برابر کل مسلمانان در تمام دنیا، مردم بی‌دین و مشرک و بودایی و برهمن و امثال آنها زندگی می‌کنند و دین اسلام هر روز بیشتر از گذشته از جانب دیگر ادیان مورد تهاجم قرار می‌گیرد؟

در مورد اینکه اسلام چگونه بر همه‌ی ادیان پیروز می‌گردد و این پیروزی به چه شکل خواهد بود در میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد؛ بعضی این پیروزی را تنها پیروزی منطقی و استدلالی دانسته‌اند و اعتقاد دارند که اسلام از نظر منطق و استدلال قابل مقایسه با هیچ آیینی نیست؛ با وجود اینکه این نظریه کاملاً صحیح است؛ ولی تاریخ نشان داده که با وجود حضور فیزیکی رهبران الهی در جامعه و با هدایت و نصایح و دلیل و برهان توأم با صبر و فداکاری آنان در این راه، حکومتی توحیدی برقرار نشد؛ حتی با زحمات و رنج‌های فراوانی که پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) و اهل‌بیتش تحمل فرمودند، این مهم حاصل نشد؛ با وجود تلاش‌های ۱۲۴،۰۰۰ پیغمبر و ۱۲ امام معصوم و سلطنت حضرت سلیمان نبی (ع) و با قدرتی که اسلام در اواخر عمر مبارک پیامبر داشت و با

وجود خلافت الهی امیر مؤمنان علی (ع) نیز، این حکومت تحقق پیدا نکرد؛ ولی با بررسی موارد استفاده‌ی «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (او را بر همه‌ی دین‌ها پیروز گرداند) در آیات قرآن کریم می‌توان به این نتیجه رسید که این مفهوم بیشتر به معنی غلبه جسمانی و قدرت ظاهری است؛ بدیهی است که غلبه در این‌گونه موارد فقط منطقی نبوده بلکه غلبه علمی و دینی نیز مد نظر است. به هر حال صحیح‌تر آن است که پیروزی و غلبه‌ی ذکر شده را همه جانبه بدانیم زیرا با مفهوم آیات مخصوصاً آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی توبه که از هر نظر مطلق است نیز سازگارتر می‌باشد؛

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۳۳ سوره‌ی مبارکه‌ی توبه﴾ او کسی است که پیامبر خود را برای هدایت مردم فرستاد، با دینی درست و بر حق تا او را بر همه دین‌ها پیروز گرداند، هرچند مشرکان را خوش نیاید.

یعنی روزی فرا می‌رسد که اسلام هم از نظر منطق و استدلال و هم از نظر جمعیت و حکومت بر تمام ادیان جهان پیروز خواهد شد و همه را تحت الشعاع خویش قرار خواهد داد. پس لازمه‌ی اجرای چنین امر بزرگی با حول و قوه‌ی الهی، ایجاد شرایط و زمینه‌سازی برای چنین واقعه عظیمی با حضور فیزیکی یکی از آن رهبران الهی، با بهره گرفتن از قدرت و علم امامت در تربیت جامعه همراه با مردمی صالح و نظارت بر عملکرد و راهنمایی و هدایت و بازخواست آنان و رعایت کامله‌ی قوانین الهی به واقعیت می‌رسد و فقط در آن زمان است که وعده‌ی خداوند حکیم تحقق می‌یابد و تمامی بشریت از ازل تا آخرالزمان آن را درک خواهند کرد و فرصت بر آنانی که مانع امامان الهی در تشکیل چنین

جامعه‌ای شده بودند، درحالی‌که خداوند مهربان اراده کرده بود که با اختیار و عقل و درایت خود آن دولت را انتخاب کنند تمام خواهد شد و همچنین سعادت و رشد مردمان آن زمان نیز مورد غبطه و حسرت آنان قرار خواهد گرفت؛ زیرا خداوند رحیم فرمودند:

﴿... إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۱۲۸ سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف﴾ زمین از آن خداست و به هر کس از بندگان که بخواهد آن را به میراث می‌دهد و سرانجام نیک از آن پرهیزکاران است. پس وارثان آینده‌ی زمین، متقین یا همان صالحان خواهند بود.

برای رسیدن به این مهم، اولاً حجت بر انسان‌هایی که خود را باور کرده و به راه شیطان و نفس رفتند و شکست خوردند تمام می‌شود و ثانیاً زمانی خاص و مستعد برای آن تحول بزرگ به وجود می‌آید که این امر با ایجاد زمینه و شرایط مخصوص توسط خداوند حکیم به برکت وجود منجی منتخب انجام خواهد گرفت.

اللهم عجل لوليک الفرج

اعتقاد همگان به وجود منجی و ظهورش

در حال حاضر با اندکی تأمل و بررسی پی می‌بریم که پیروان همه‌ی ادیان الهی و حتی دین‌های ساختگی و آنانی که دین ندارند به وجود منجی و ظهورش اعتقاد دارند؛ که این باور از دو اصل ذیل سرچشمه می‌گیرد.

اصل اول:

خداوند در آیات کریمه‌ی قرآن مخصوصاً در سوره‌ی شمس پس از قسم‌های طولانی خود فرموده که شناخت بدی و خوبی، پاکی و ناپاکی و حق و باطل را به انسان الهام فرموده و از سر رحمت و مهربانی پیامبران را برای یادآوری این امر مهم و هدایت بشر فرستاد، ولی متأسفانه انسان طغیان کرد و خود را باور نمود در نتیجه در دام شیطان و هوای نفس قدم نهاد و خواستار زندگی دور از شئون انسانی شد، با این باور که می‌تواند به زندگی ایده‌آل خود بدون بهره گرفتن از دستورات خالقش برسد و نتیجه‌اش آن شد که در همه‌ی دوران‌ها مخصوصاً در عصر کنونی، انسان حیران و سرگردان شده است و با اعتراف به وجود منجی، شکست خود را در عقایدش قبول می‌کند، ولی باز غرورش در ظاهر اجازه نمی‌دهد آن را در غالب حقیقی‌اش بپذیرد. هر فردی منجی را طبق میل و غرایز خودش تصور کرده و منتظرش می‌شود، اما اشتباه می‌کند چون نعمت هدایت نعمت بزرگی است که تکلیف زندگی زمینی و آسمانی انسان را در پرونده‌ی عمرش مشخص و معلوم می‌سازد؛ گاهی نهبی در جانش فریاد می‌زند که: برخیز، باید از عمری که فردایش مشخص نیست لذت

ببری؛ دنیای ناشناخته را بشناسی؛ گردش کنی و دنیا را با اعجاب سازندگی ببینی؛ بی خیال هدایت شوی؛ دین دست و پاگیر است باید بندش را پاره کنی و از نعمت‌ها لذت ببری؛ بر می‌خیزد؛ آزادی را برای خود امضا می‌کند؛ قانونش را می‌نویسد؛ حد و مرزی برایش نمی‌گذارد؛ هر کاری که نفسش دوست دارد انجام می‌دهد؛ در تاریکی وجودش، جز نهیب شیطان را نمی‌شنود؛ او را دوست می‌دارد؛ از نور گریزان است؛ نام عمرش را زندگی می‌گذارد درحالی‌که روح معنوی انسان با غریزه‌های شیطانی منافات دارد و آن را نمی‌پذیرد؛ در باطن منتظر نجات است چون خداوند مهربان فطرتش را با خوبی و پاکی و بزرگی مقام آدمی آشنا کرده و به واسطه‌ی همین سرشت هیچ وقت به زندگی ایده‌آل بدون نعمت هدایت نخواهد رسید.

اصل دوم:

مزمین می‌کنیم سخن را به فرمایش بانو و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که فرمودند: سلام بر لحظه‌ای که پروردگار کریم فرشتگانش را فرا خواهد خواند تا پرده از عالمی بردارد که به آن‌ها وعده‌ی دیدنش را در آفرینش حضرت آدم داده بود آنگاه که فرمود: ای آدم، این‌ها را از نام‌هایشان آگاه ساز و حضرت آدم اسرار دولتی را فاش نمود که آینه‌ی اطاعت پروردگار خویش بود و آنگاه اطاعت معنی و مفهوم خویش را در نزد فرشتگان الهی از دست داد و آنان اعتراف نمودند به اینکه جز آنچه پروردگارشان به آنان بیاموزد علمی ندارند. با این فرمایش زیبا پی می‌بریم که در عالم الست خداوند کریم رهبر و پیشوای دولت ظهور و عملکرد امت او را به همگان نشان داد و انسان‌ها در ضمیر خود آن را به یاد دارند و

ناخودآگاه ضمیرشان مشتاق آن رهبر و دولتش است و همچنین خداوند متعال در آیه ۵۴ سوره مائده اخلاص و تقوا و فرمان برداری این امت را این گونه به تصویر کشیده:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ ﴿آیه ۵۴ سوره مبارکه ی مائده﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر که از شما از دینش بازگردد چه باک که خدا مردمی را بیاورد که دوستشان بدارد و دوستش بدارند؛ در برابر مؤمنان فروتن‌اند و در برابر کافران سرکش؛ در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسند؛ این فضل خداست که به هر کس که خواهد ارزانی دارد و خداوند بخشاینده و داناست.

همچنین همه پیامبران به امت خود اعلام کردند که همه‌ی ادیان الهی زمینه‌ساز آخرین دین، به پیامبری خاتم انبیا حضرت محمد مصطفی (ص) هستند و اهل بیتش از برگزیدگان و پاکان؛ و دولت حق به رهبری آخرین فرزند این پیامبر امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) برقرار می‌شود و همچنین به امت خود سفارش می‌کردند که به او ایمان بیاورید و منتظرش باشید؛ زیرا خداوند کریم در قرآن بارها به این نکته اشاره فرموده که: ای پیامبر، اهل کتاب تو را طوری می‌شناسند که فرزند خود را می‌شناسند؛ آن افرادی که وجود پیامبر آخر را باور کرده و به او ایمان آوردند، در قیامت با دین اسلام محشور خواهند شد. در این مورد به تفصیل مطالبی را بیان خواهیم نمود. یک نمونه را با روایتی زیبا از سرور

عالمیان حضرت زهرا (س) نقل می‌کنیم که نشانگر گفتار و عملکرد همه انبیا و امت آنان است، ایشان چنین فرمودند: هنگامی که پروردگار عالم اجازه دادند تا یاران حضرت عیسی (ع) مائده‌ی مخصوص را بگیرند حضرت عیسی (ع) دست‌ها را به آسمان گشودند و فرمودند: ای خالق جانم، وعده‌ی تو حق است و اینان گدایان آل محمد (ص) هستند با من پیمان بسته‌اند تا به آنان پیامبر آخرین را در پرده غیب معرفی کنم و آنگاه که انوار پیامبر آخر را درک کردند و بزرگی مقام و جلالت فرزندانش را دیدند از درگاه با فضیلت و با جلالت تمنا کردند تا مهمان آنان شوند؛ گوهر وجودشان را درک کنند و مهمان سفره‌ی احسانشان باشند پس پروردگار عالم پذیرفتند و آنان از این احسان جانشان در پرتو انوار پنج تن آل عبا واقع گردید؛ و هم‌چنین فرمودند: خاندان نبوت امانت‌داران گذشتگان و پیشوای آیندگان هستند و امانت پیامبر و پیروانشان را در صندوقچه‌ی جان انباشته‌اند تا برای آیندگان گنجینه‌ای باشد که هرگز پایان نیابد. اکنون جان‌های مشتاق، خریداران این گوهر گران‌بهایند؛ اگر بتوانند خریدارش را در آیات الهی بیابند درک خواهند کرد که عمری به دنبال چه بودند؛ آمدند تا در بازار دنیا بگردند تا پولشان را خرج متاعی کنند که فطرتشان طالب آن است پس بهایش را که خون و حیاتشان است می‌پردازند.

پس با این روایت مشتاق زندگی در دولت ظهور باشید که شرایطش اخلاص و توحید و رشد عقلی است که باید از خداوند متعال برای کسب آن‌ها مدد بخواهیم.

اللهم عجل لولیک الفرج

منجی

«منجی» در لغت به معنای «نجات دهنده» و «رهایمی بخش» است. همان طوری که پیشتر گفته شد همه‌ی انسان‌ها با هر باور و مذهبی به وجود منجی عقیده داشته و منتظر او هستند. پس باید بیشتر در مورد این موضوع تفکر کرد چون منجی با هر خصوصیتی نمی‌تواند رهبر یک کشور یا منطقه باشد؛ پس منجی، رهبری جهانی است.

با توجه به اینکه در قرن بیستم در کشورهای مختلف رهبرانی با عقاید تازه در قالب شعارهای مثبت و منفی ظاهر شدند، هیچ کدام به طور کامل موفق نبودند. به طور مثال گاندی در هند با وجود طرفداران بی‌شمار نتوانست حتی ملت خود را از فقر و جهالت نجات دهد یا در روسیه لنین و استالین مردم را از حکومت تزار نجات دادند، درحالی‌که دیکتاتوری بزرگتری را به وجود آوردند که نه تنها دنیا و آخرت مردم را تباه کردند بلکه در مدت نیم قرن میلیون‌ها نفر از مردم آن سامان را زیر شکنجه و کشتار به اردوگاه‌های سیری تبعید کردند و ماهو در چین همچون رهبرانی که در آن زمان اسم و رسمی داشتند، نه تنها مردم جهان را نجات ندادند بلکه دنیا و آخرت مردم و ملت خود را نیز از بین بردند. در اوایل قرن بیستم هیتلر و در قرن نوزدهم ناپلئون با اینکه از هیچ‌گونه تجاوز و جنایتی روگردان نبودند فقط توانستند چند کشور را تسخیر کنند؛ خصوصاً در قرن حاضر که بیشتر کشورها به انواع سلاح‌های هسته‌ای و میکروبی و شیمیایی مجهز هستند، منجی برای تشکیل

حکومت جهانی خود باید ما فوق همه‌ی این قدرتها باشد و بتواند بدون اتکا به سلاح‌های موجود، بر همه مستکبران و ابر قدرتها پیروز شود و جهان را از لوٹ بی‌دینی، جهالت، جنایت، فساد و ظلم پاک کند. در نتیجه منجی فقط و فقط باید منتخب خداوند عظیم باشد، چون اوست که مقتدر، قهار، قوی و حکیم است و چنین قدرتی تنها از آن خداست و به هر کس که بخواهد آن را عطا می‌کند. به‌طور مثال سلسله‌ی فرعونیان که از جمله قوی‌ترین و باشکوه‌ترین پادشاهان تاریخ بودند تا جایی قدرت پیدا کردند که حتی نعوذُ بالله ادعای خدایی کردند و هم اکنون آثار آن حکومت‌ها از عجایب تاریخ بشر است و حضرت موسی (ع) برای نجات قوم بنی‌اسرائیل از زیر بار ظلم چنین قدرتی، از طرف خداوند بدون یاری حتی یک نفر از قوم بنی‌اسرائیل انتخاب شد و تنها سلاحی که به همراه داشت چوب دستی‌اش بود و حضرت موسی (ع) به اذن الهی چنان فرعون و فرعونیان را عاجز و درمانده کرده بود که آنان راضی شدند قوم بنی‌اسرائیل را که قرن‌ها در استثمار و بردگی به سر می‌بردند را آزاد کنند. عصا به اذن الهی در جایی تبدیل به اژدها می‌شد، در وقت دیگر رود نیل را به رنگ خون می‌کرد و باعث هجوم قورباغه و حشرات به مصر می‌گردید و فرعون با تمام سلاح‌ها و ابزارهای جنگی و صنعتی آن زمان، تاب مقاومت و مقابله با او را نداشت. همین عصا به اذن الهی برای نجات بنی‌اسرائیل دریا را شکافت و برای عذاب و هلاکت فرعونیان آن را بست.

پس باید باور و یقین داشت که منجی فقط و فقط برگزیده و مأمور الهی است و لا غیر. در این حالت است که منجی نه تنها نیازی به سلاح‌های پیشرفته ندارد بلکه تمام سلاح‌های هسته‌ای، میکروبی، شیمیایی و سایر

مب‌های مخرب هیچ‌گونه نقشی در مقابله و مبارزه با او را ندارد و نیازی به هیچ لشکر و سپاهی نخواهد داشت و همه‌ی دشمنان و عواملشان در برابر او به زانو در خواهند آمد، پس با بررسی مطالب، نشانه‌ها و دلایل ذکر شده به این نتیجه می‌رسیم:

۱ - ظهور منجی برای از بین بردن کفر و فساد و ظلم و ایجاد جامعه توحیدی با بالاترین رشد عقلانی بشر لازم و حتمی است.

۲ - منجی فقط منتخب و مأمور الهی است و بس.

۳ - منجی بشر تنها باید از آخرین دین، یعنی اسلام و آخرین جانشین پیامبر خاتم حضرت محمد مصطفی (ص) باشد.

چه زیبا فرمودند مولای متقیان امیر مؤمنان علی (ع): خداوند متعال در جهت هدایت بندگانش به سوی خود که همانا رستگاری است، پیامبرانی را برگزید و از آنان پیمان گرفت تا در هدایت بندگانش کوشا باشند و می‌دانست که به عهد خود وفا خواهند کرد؛ برگزیدن پیامبران از طرف خداوند هنگامی صورت گرفت که اکثر مردم عهدی که با خداوند بسته بودند را نقض کردند و حقوق خداوند و وظیفه‌ی خود را فراموش نمودند و دیگران را خدای خود دانسته و آن‌ها را پرستیدند؛ زیرا شیطان آن‌ها را واداشت که راه خداوند را ترک کنند و از پرستش او خودداری نمایند. خداوند پیامبران خود را یکی پس از دیگری فرستاد تا این‌که مردم را متوجه وظیفه‌شان که ماهیت آن جزء موجودیت آن‌ها بود و در روز خلقت روحشان وعده کرده که به آن وظیفه عمل کند را به یاد آورد. هیچ یک از پیامبران از دنیا نرفتند مگر این‌که قبل از رفتن اطلاع دادند که

بعد از آن‌ها چه کسی خواهد آمد و هیچ یک از پیامبران که آمدند، از این عمل کوتاهی نکردند تا بگویند که قبل از آن‌ها پیامبری بوده و او را مورد تصدیق قرار داده‌اند تا اینکه خداوند خاتم انبیا رسول اکرم حضرت محمد (ص) را برای وفای به وعده‌ای که داده بود به پیامبری مبعوث کرد و آن وعده را به پیامبران گذشته داد و به آن‌ها گفت که بایستی عظمت این پیامبر را بپذیرند و دوران پیامبری او را خبر بدهند و آن‌ها پذیرفتند و آمدنش را اطلاع دادند و نشانه‌ها و علائم آمدن او و رسالتش معلوم و برجسته بود.

در ادامه فرمایشی گهربار از سرور عالمیان حضرت زهرا (س) را نقل می‌کنیم که فرمودند:

پروردگار کریم بندگانی که از او امر الهی اطاعت کنند را در نعمت‌هایی که در کتاب آسمانی نام برده است قرار می‌دهد؛ آن نعمت‌ها تمام نشدنی است؛ پیوند ادیان الهی در زیر پرچم آخرین نور هدایت، باشکوه‌ترین لحظه خواهد بود و هر کس که نام او در قرآن کریم به‌عنوان صالح برده شده است از مهمانان این دولت با شکوه است؛ رجعت نام برده شدگان، در دولت ظهور مزد صبر آنان بر مصائب زمان خودشان خواهد بود؛ آنان پاکانی هستند که رنج را تجربه کرده‌اند. پس خوب فکر کنید آیا رنج آنان در مقابل کفر تا آخرین لحظه‌ی عمرشان باعث شد تا راه را با ناامیدی ادامه دهند یا عزم آنان را محکم‌تر کرد تا با آن عزم، پرچم عدالت را تقاضا کنند؟

با این فرمایشات زیبا که بیان شد متوجه می‌شویم سابقه‌ی انتظار منجی از اهل بیت پیامبر خاتم، قائم آل محمد (ص) به هزاران سال قبل

برمی‌گردد و مختص زمان ما نیست. عجا که آنان چه صبر و استقامتی داشتند و ما چه عجز و کم طاقت هستیم، اما این عجله ناشی از اشتیاق است.

اللهم عجل لوليک الفرج

انتظار و منتظر

حال در مورد انتظار و منتظر مطالبی را بیان می‌کنیم و آن را از ریشه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

«انتظار» یعنی چشم به راه و «منتظر» در انتظار کسی یا چیزی بودن است. منتظر در اصطلاح به حالت و زندگی کسی گفته می‌شود که از وضع کنونی خود راضی نبوده و چشم به راه حالت و زندگی دلخواه خود می‌باشد. به طور مثال:

«انتظارِ پایان یافتن تحصیلات» انتظاری که در آن دانش‌آموز یا دانشجو به سختی در حال تلاش است مثل نشستن در سر کلاس، بی‌خوابی و مطالعه‌ی مستمر؛ او تمام این رنج‌ها را برای فارغ‌التحصیلی و تغییر وضعیت کنونی خود به حالت دلخواه تحمل نموده تا ادامه‌ی زندگی خود را بر پایه‌ی آن برنامه‌ریزی کند.

«انتظار ازدواج» راضی نبودن از تنهایی و بلاتکلیفی و انتظار داشتن همسر، همدم و زندگی مستقل است.

«انتظار کشاورز» که با کاشت دانه منتظر برداشت محصول است تا زحمت و نگرانی‌اش خاتمه یافته و با درو و فروش محصولاتش، زندگی خانواده خود را تأمین کند.

«منتظران منجی آخرالزمان» نیز منتظر هستند و بر اساس باور و عملکردشان می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد:

دسته‌ی اول:

منتظران سودجو و خودخواهی که برای رسیدن به خواسته‌های نفسانی خود از هیچ ظلم و خطایی روی‌گردان نیستند و اگر سایه‌ی باور وجود منجی توسط مردم را مانع مقاصد خود بدانند، سعی در کم‌رنگ کردن آن باورها می‌کنند و با ظالمان و مستکبران نیز همکاری نزدیکی برای رسیدن به اهداف شوم خود دارند. اگر صحبتی یا تلاشی در مورد شناساندن منجی (آقا امام زمان عج) به مردم انجام دهند، صرفاً به این منظور است که ایشان را موافق با اعمال و افکار خود نشان داده و او را تأیید کننده‌ی حکومتشان جلوه دهند. نمونه‌های این تفکر در تاریخ بسیار است، برای نمونه راهبان یهود منتظر منجی یا همان حضرت عیسی (ع) بودند و پس از به دنیا آمدن ایشان با وجود دیدن معجزات و پی بردن به حقانیت این پیامبری که منتظرش بودند، چون تعلیمات ایشان مطابق امیال نفسانی آنان نبود، با آزارهای فراوان و دسیسه‌های بسیار سعی در به قتل رساندن ایشان داشتند. همچنین مسیحیانی که نشانه‌ی محل ظهور آخرین پیامبر را از انجیل خوانده، از سرزمین‌های خود به اطراف مدینه کوچ کرده و سکنی گزیده بودند و می‌خواستند اولین نفراتی باشند که پیامبر خاتم (ص) را دیده و او را تحت سلطه و مؤید عقاید خود قرار دهند و در جهت رسیدن به خواسته‌های نفسانی خود از وجود او سوءاستفاده نمایند و چون این‌گونه نشد از دشمنان سرسخت منجی (حضرت رسول اکرم ص) گردیدند.

دسته‌ی دوم:

از وضع و حالت کنونی زندگی خود راضی نبوده و تلاشی هم جهت بهبودی آن برای خود و دیگران نمی‌کنند، از زیر بار هر مسئولیتی شانه خالی کرده و اصلاح امر خود و سایرین را واگذار به ظهور منجی می‌کنند، با داشتن این عقیده چنان در افکار رؤیایی خود فرو رفته‌اند که از وضع موجود جامعه غافل شده و تسلیم هرگونه شرایطی می‌شوند، این تفکر درست برخلاف هدف اصلی ظهور منجی که اصلاح امور مردمی است، می‌باشد.

دسته‌ی سوم:

منتظران واقعی که با ترک هرگونه گناه و عدم همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم، کفر و فساد جامعه، مبارزه و درگیری با آنها را آغاز کرده و در جهت آمادگی‌های روحی و معنوی، برای شکل گرفتن حکومت جهانی، خود را آماده‌ی ظهور منجی کرده‌اند. طبق احادیث و روایاتی که مشروحاً به آن می‌پردازیم، اینان منتظران واقعی هستند و هم اکنون نیز در حکومت منجی (حضرت مهدی (عج)) عضویت داشته، به طوری که اگر قبل از تشکیل آن حکومت از دنیا بروند، از اعضای آن محسوب می‌شوند.

پس سلام و درود بر بقیة الله که خداوند عزیز و ارجمند وجود او را به همه‌ی امت‌ها وعده فرمود، این‌که جمع کند به وسیله‌ی او کلمه‌ها را، خاطر جمع کند به وسیله‌ی او پریشان حالی را و پر کند زمین را با قسط و عدل، جاه و مقام دهد او را و وفا کند به وعده‌ای که به مؤمنان داده.

پس تمام مؤمنان از همه‌ی دوران‌ها مانند منتظران نسل حاضر، منتظرند تا وعده حق را در دولتی که همگان از تمام ادیان الهی با انوارش زخم‌های جهل را مداوا می‌کنند، ببینند و به یارانش از دوران غیبت نظر کنند و آنان شادمان، حاصل انتظارشان را ببینند و در رحمت دولت پادشاه عالمیان به سرمنزل مقصود برسند، **إن شاء الله.**

پس تا دیر نشده در اصلاح افکار و عملکرد خود عجله کنیم تا دعایمان از خداوند در تعجیل ظهور منجی از ما پذیرفته شود.

اللهم عجل لولیک الفرج

آخرین دین، آخرین پیامبر، آخرین فرزند پیامبر

در مطالبی که عنوان شد بار دیگر به این نتیجه می‌رسیم که منجی باید مأمور خداوند کریم و از جانشینان پیامبر خاتم (ص) باشد، زیرا اسلام آخرین و کامل‌ترین دین است. لازم به ذکر است از بعثت پیامبر گرامی اسلام که خاتم انبیا و پیامبران و رسولان است، بیش از ۱۴۰۰ سال می‌گذرد؛ با بررسی تاریخ بعثت انبیا و کتاب‌های آسمانی به خاتمیت پیامبر و دینش یعنی اسلام یقین می‌یابیم. اگر فاصله‌ی زمانی مابین پیامبران اولوالعزم، قبل از پیامبر اسلام تا این حد طولانی می‌شد، قطعاً در این فاصله هزاران هزار نبی و رسول ظهور کرده و دین گذشته را تبلیغ می‌نمودند. درحالی‌که بعد از بعثت پیامبر گرامی اسلام در این ۱۴۰۰ سال، ظهور هیچ پیامبری در تاریخ ثبت نشده، درحالی‌که خداوند هیچ وقت زمین را بدون حجت باقی نگذاشته است. با توجه به مطالب فوق خاتمیت پیامبر اسلام کاملاً اثبات شده است و همچنین خداوند متعال در آیه ۴۰ سوره مبارکه‌ی احزاب چنین فرمودند: محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست و رسول خدا و خاتم پیامبران است و خدا بر هر چیزی داناست.

در حال حاضر آخرین جانشین پیامبر، منجی عالم بشریت، امام و ولی عصر و زمان، ابوالصالح المهدی (عج) می‌باشند. لازم است بدانیم که ادیان الهی هرکدام در زمانه‌ی خود دین واحدی بودند، زیرا با ظهور هر پیامبر اولوالعزم، پیروان دین قبل، باید به دین جدید ایمان می‌آوردند، چون اراده‌ی خداوند سبحان در نزول ادیان قبل از اسلام آماده‌سازی انسان‌ها برای دین اسلام بوده نه فرقه فرقه شدن ادیان الهی.

در عصر حاضر آنانی که به دین‌های گذشته اصرار می‌ورزند نه تنها دستور خداوند را نادیده گرفته‌اند بلکه از وحدت فکری، عقیدتی و توحیدی انسان‌ها نیز جلوگیری می‌کنند. پس برای وحدت و نجات بشریت دعا می‌کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

امام عصر و دولت ظهور

اکنون مباحث خود درباره‌ی وجود مقدس امام زمان (عج) و ظهور دولت حق‌شان را با یاری خداوند رحمان آغاز می‌کنیم.

حمد و سپاس خداوند حکیم و عظیم و مدبر و کریم را سزااست که با وجود کفران نعمت و ناسپاسی از جانب انسان‌ها مخصوصاً مسلمانان در مورد آخرین پیامبر و اهل‌بیتش، قائم آنان را برای نجات بشر باقی گذاشت که در مورد ایشان رسول گرامی اسلام حضرت محمد (ص) چنین فرمودند: سوگند به خدایی که مرا به راستی برای بشارت برانگیخت، قائم فرزندان من بر طبق عهده‌ی که با او شده غایب می‌شود به‌طوری‌که اکثر مردم خواهند گفت خدا به آل محمد نیازی ندارد و دیگران در اصل تولدش شک می‌کنند؛ پس هرکس زمان غیبت او را درک نمود باید دینش را نگهداری کند و نگذارد شیطان از طریق شک بر او مسلط شود و او را از ملت من جدا کرده و از دین خارج سازد؛ چنان‌که پدر و مادر شما یعنی حضرت آدم و حوا را از بهشت بیرون کرد؛ خداوند شیطان را دوست و فرمانروای کفار قرار داده است.

امیر مؤمنان علی (ع) نیز چنین فرمودند: زمین از کسی که حجت و دلیل دین خدا را برپا دارد خالی و تهی نمی‌ماند.

خداوند غفور به وعده‌ی خود وفا نمود و زمین را بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام با وجود گران‌قدر امامان برکت بخشید، مخصوصاً با آخرینشان رحمت خود را جاری فرمود، اما در عصر حاضر به عینه مصداق حدیث و پیش‌بینی پیامبر عظیم‌الشأن اسلام را که در بالا ذکر شد

به عینه حس می‌کنیم چون افراد گمراه با مطرح کردن سؤالات مغرضانه قصد دارند در میان شیعیان شک و تردید ایجاد کنند. به دو نمونه از این موارد اشاره می‌کنیم:

گروهی می‌پرسند: چرا با وجود امام عصر، بشر در زیر بار ظلم، بدبختی، جنایت و بی‌عدالتی زندگی می‌کند و خداوند و امام کاری نمی‌کنند؟

افرادی که چنین سؤالی را مطرح می‌کنند انسان‌هایی هستند که به خود مغرورند و برای رهایی از زیر بار ظلم و ستم و کفر، هیچ همت و مبارزه‌ای از خود نشان نداده حتی به سردمداران ظلم و کفر نیز کمک می‌کنند و منتظرند خدا و امام، امورشان را سامان بخشند، خداوند رحمان و مدبر تا زمانی که آگاه شده و به خود بیایند، آنان را به حال خودشان واگذار می‌کند؛ مانند قوم بنی‌اسرائیل که خداوند در آیات ۲۱ تا ۲۷ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده چنین فرمودند:

﴿يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۲۱ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده﴾ ای قوم من، به زمین مقدسی که خدا برایتان مقرر کرده است داخل شوید و باز نگردید که زیان‌دیده باز می‌گردید.

﴿قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدْخُلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۲۲ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده﴾ گفتند: ای موسی، در آنجا مردمی جبارند و ما به آن سرزمین درنیاییم تا آنگاه که آن جباران بیرون شوند. اگر آنان از آن سرزمین بیرون شوند، بدان داخل شویم.

﴿قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۲۳ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده﴾ دو مرد از آنان که پرهیزگاری پیشه داشتند و خدا نعمتشان عطا کرده بود گفتند: از این دروازه بر آنان داخل شوید؛ و چون به شهر درآمید شما پیروز خواهید شد و بر خدا توکل کنید اگر از مؤمنان هستید.

﴿قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۲۴ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده﴾ گفتند: ای موسی تا وقتی که جباران در آنجایند هرگز بدان شهر داخل نخواهیم شد. ما اینجا می‌نشینیم، تو و پروردگارت بروید و نبرد کنید.

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۲۵ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده﴾ گفت: ای پروردگار من، من تنها مالک نفس خویش و برادرم هستم. میان من و این مردم نافرمان جدایی بینداز.

﴿قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۲۶ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده﴾ خدا گفت: ورود به آن سرزمین به مدت چهل سال برایشان حرام شد و در آن بیابان سرگردان خواهند ماند. پس برای این نافرمانان اندوهگین مباش.

﴿وَإِنل عَلَيْهِم نَبَأُ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۲۷ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده﴾ و داستان راستین دو پسر آدم را بر ایشان بخوان، آنگاه

که قربانی‌ای کردند. از یکی‌شان پذیرفته آمد و از دیگری پذیرفته نشد. گفت: تو را می‌کشم. گفت: خدا قربانی پرهیزگاران را می‌پذیرد.

در آیه ۲۱ حضرت موسی (ع) به قوم خود فرمود: ای قوم! به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما مقرر داشته، وارد شوید! و به پشت سر خود بازنگردید که زیانکار خواهید بود. در آیه‌ی ۲۴ بنی‌اسرائیل گفتند: ای موسی! تا جباران در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و با آنان بجنگید، ما همین‌جا نشسته‌ایم. در پاسخشان خداوند به حضرت موسی (ع) در آیه‌ی ۲۶ چنین فرمان دادند که: این سرزمین مقدس تا چهل سال بر آن‌ها ممنوع است و به آن نخواهند رسید؛ پیوسته در زمین این بیابان سرگردان خواهند بود؛ و دربارهی این جمعیت گنه‌کار، غمگین مباش.

اگر بنی‌اسرائیل ایمان و همت راستین داشته و مبارزه می‌کردند، خداوند رحیم نیز با یاری خود پیروزی را نصیبشان می‌کرد، ولی آنان بین کفر و ایمان، سرگردان و مغرور و سرکش بودند در نتیجه خداوند پیروزی آن‌ها را ۴۰ سال به تأخیر انداخت تا به خود بیایند و در اثر سرگردانی و سختی، اندیشه و افکار و عملکرد خود را اصلاح نموده و به خداوند کریم ایمان راستین بیاورند تا در اثر مبارزه با ستمکاران و یاری خواستن از خدا، پیروزی نصیبشان شود.

همان‌گونه که اشاره شد تا زمانی که شیعیان دست روی دست گذارده و حتی با ظالمان و مستکبران و کافران نیز مشارکت داشته باشند، چگونه انتظار دارند که خداوند رحمان آنان را یاری کند؟

در فرازی زیبا از دعای ندبه به این موضوع اشاره شده است که:

أَيْنَ الْحَسَنِ؟ أَيْنَ الْحُسَيْنِ؟ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ؟ كجاست امام حسن (ع)؟
كجاست امام حسين (ع)؟ كجايند فرزندان امام حسين (ع)؟

همه می‌دانیم که امام حسن (ع) را مسموم و امام حسین (ع) را در کربلا شهید و فرزندان او که امامان بعد او بودند، همگی را شهید کردند و محل دفنشان اکنون مشخص است. پس منظور این سؤال چیست؟ به کنایه می‌پرسد: چه کردید با امامان از امیر مؤمنان تا آخرینشان؟ مگر آنان شایسته و راست‌گو و از رهروان حق و برگزیدگان خداوند نبودند؟ آیا در هدایت، همچون خورشیدهای درخشان و ستارگانی راهنما برای مردم در ظلمت جهل و گمراهی زمانه نبودند؟ آیا از بزرگان دین و پایه‌های علم و دانش خداوند نبودند؟ آیا به غیر از زندانی کردن، تبعید و اسیر و شهید کردن آنان کار دیگری کرده‌اید که اکنون آخرینشان را که خداوند مهربان برای مؤمنان حقیقی ذخیره نموده طلب می‌کنید؟ تا با او چنان کنید که با پدران او کردید؟ باید که نعمت امامت و عملکردش را باور کرده و فرمان‌بردار باشید تا خداوند به حالتان ترحم کرده و آن ذخیره و گنجینه‌ی عظیم الهی را به شما عطا کند.

دسته‌ی دوم می‌پرسند: چگونه می‌شود امام زمان (عج) از سال ۲۱۲ هجری تاکنون، بیش از ۱۲۰۰ سال از عمرشان گذشته و زنده باشند در حالی که طولانی‌ترین عمر ثبت شده در عصر حاضر ۱۵۰ سال همراه با کهولت و ضعف و ناتوانی است؟ پس با این حساب یا ایشان ظهور کرده و یا امامت، به امام یازدهم ختم گردیده است.

اینان غافلاند که مدت عمر، ضعف اعضای بدن و مرگ را خداوند حکیم و توانا اراده فرموده که خالق همه‌ی مخلوقات از جمله انسان است. در این باره خداوند در آیه ۵ سوره‌ی مبارکه حج چنین می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُّرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنكُمْ مَّن يَتَّقِيٰ وَيَتَوَقَّىٰ وَمِنكُمْ مَّن يُرَدِّ إِلَىٰ أَزْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَىٰ الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ﴾ (آیه‌ی کریمه‌ی ۵ سوره‌ی مبارکه‌ی حج) ای مردم، اگر از روز رستاخیز در تردید هستید، ما شما را از خاک و سپس از نطفه، آنگاه از لخته‌خونی و سپس از پاره‌گوشتی گاه تمام آفریده گاه ناتمام، بیافریده‌ایم تا قدرت خود را برایتان آشکار کنیم و تا زمانی معین هر چه را خواهیم در رحمها نگه می‌داریم. آنگاه شما را که کودکی هستید بیرون می‌آوریم تا به حد زورمندی خود رسید. بعضی از شما می‌میرند و بعضی به سالخوردگی برده می‌شوند تا آنگاه که هر چه آموخته‌اند فراموش کنند و تو زمین را فسرده می‌بینی. چون باران بر آن بفرستیم، در اهتزاز آید و نمو کند و از هر گونه گیاه بهجت‌انگیز برویاند.

پس متوجه شدیم همه چیز به اراده‌ی خداوند توانا و حکیم بستگی دارد و او قادر است همه چیز را به هر صورتی و به هر اندازه‌ای که صلاح بداند تغییر دهد. به‌طور مثال قرار داده که تولد هر انسانی وابسته به ازدواج مرد با زن باشد، ولی خداوند اراده فرمود که حضرت حوا بدون پدر و مادر و حضرت عیسی بدون پدر به دنیا بیاید و همچنین اگر عمر

بیش از چند هزار ساله‌ی حضرت آدم را نادیده بگیریم نمی‌توانیم عمر حضرت نوح (ع) که فقط ۹۰۰ سال رسالتش بر قومش طول کشید را که همه‌ی ادیان آسمانی به آن معترف‌اند، نادیده بگیریم و اگر به این ۹۰۰ سال، عمر قبل از رسالت و بعد از نجات از طوفان را اضافه کنیم، عمر بسیار طولانی خواهد شد و لازم به ذکر است که ایشان در سن بیش از هزار سال به‌قدری قوی و تنومند بودند که از تعداد بسیار زیادی درختان بزرگ بدون ابزار پیشرفته، توانستند کشتی با عظمتی بسازند. حضرت خضر نبی نیز که زنده بودنش را همگان قبول دارند و آیاتی در قرآن کریم مربوط به همراه شدن حضرت موسی (ع) با ایشان آمده، سنشان بیش از ۵۰۰۰ سال است. همچنین خداوند متعال در آیات مختلفی از قرآن کریم فرموده که انسان‌ها در بهشت و جهنم، «فیها خالدون» یعنی جاویدان زندگی خواهند کرد؛ در بهشت نه پیری و ضعیفی وجود دارد نه آزار و اذیتی ولی در جهنم گنه‌کاران در آتش غضب الهی در چرک و خون و آتش تا ابد خواهند بود.

این منکرین بی‌ایمان و جاهل باید بدانند که امام زمان (عج) انتخاب شده‌ی خداوند مقتدر است و اراده فرموده تا ایشان را برای مؤمنین حقیقی حفظ نماید.

﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۸۶ سوره‌ی مبارکه‌ی هود﴾
 خداوند بهترین را برای شما حفظ فرمود.

چشمان گنه‌کار و آلوده، ایشان را که در سلامتی و تندرستی و شادابی و جوانی هستند، نمی‌بیند و این موضوع موجب بغض و کینه‌ی دشمنانشان گردیده است. ایشان امام و صاحب‌زمان هستند که در نتیجه زمان در

اختیار و تحت فرمانشان است، نه این که ایشان در اختیارِ زمان باشند. چه زیبا خودشان فرمودند: اگر زمان را با من طی کنید من در کنار شما ثابت هستم و غفلت از وجود من غفلت از وجود خودتان و در نهایت غفلت از پروردگار را به دنبال دارد. پس من زمان هستم، ثانیه هستم و دقیقه که هدایت را در خود دارد؛ اگر با من باشید با هدایت حرکت می‌کنید و همان طوری که آرزو دارید زمان برایتان ثابت می‌ماند.

پس ما دوستان و شیعیان عصر حاضر مسئولیم تا بذر نفاق و شک و تردید را که دشمنان اسلام و اهل بیت در بین شیعیان می‌کارند در نطفه خفه کنیم.

سرور عالمیان حضرت زهراى مرضیه (س) فرمودند: ای وای بر احوال کسانی که پروردگارشان فرمود: ای بندگان من، دیگر پیامبری برای هدایت شما نخواهد آمد و دیگر کتابی برای هدایت فرستاده نخواهد شد. پس به آنچه فرمان می‌دهم عمل کنید و از من و پیامبر اطاعت کنید و مطمئن باشید به طرف من بازگشت خواهید کرد.

ولی متأسفانه در عصر حاضر گوش انسان‌ها در شنیدن این ندا سنگین‌تر از گذشته شده و درحالی که سرورشان و نماینده‌ی پروردگارشان در پیمودن راه، آنان را یاری می‌کند از این لطف و احسان الهی خود را محروم می‌کنند و معنی و مفهوم صاحب‌الزمان را درک نمی‌کنند و برای رسیدن به فرامین قرآن کریم از حقیقت وجود امام و رهبرشان غافل می‌شوند؛ راه را با خیالات ثواب و عقاب می‌پیمایند و اصل عمل را فراموش می‌کنند. پس در بالا آمدن از قله مرتفع بندگی دچار لغزش می‌شوند و بازگشت را بهتر از زحمت پیمودن راه می‌دانند. می‌روند و از نعمت‌های فراوان پروردگار

کریم محروم می‌شوند. این خود دلیل جامع و روشنی برای غیبت امام
زمان (عج) از نظرها است که با بررسی در افکار و عملکرد مردمان صدر
اسلام و بعد از آن تا عصر حاضر کاملاً به این موضوع واقف می‌شویم.
پس برای گشایش عقلمان از خداوند کریم مدد می‌گیریم:

اللهم عجل لولیک الفرج

رسوایی منافقان، ظالمان و حسودان

پس از بعثت پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) و هجرتشان به مدینه و افزوده شدن به قدرت اسلام، بت پرستان و دنیاپرستان و حتی پیروان ادیان دیگر، توانایی مقابله با مسلمانان و سرکوب آنان را از دست دادند و تمامی تلاششان در جهت جلوگیری از گسترش اسلام بی‌ثمر ماند. لذا چون تاب مقاومت نداشتند در ظاهر اسلام آوردند و در باطن تشکیل جبهه‌ای به نام منافقان را در لوای مسلمانی دادند که از این طریق با اشاعه‌ی افکار جاهلیت در قالبی نو، در بین تازه مسلمانان ایجاد شک و تردید کردند و آنان را از مسیر اصلی دین خارج ساختند. سران نفاق با سابقه و وجهه‌ی بدی که داشتند، نمی‌توانستند مستقیماً بر علیه اسلام اقدام نمایند، لذا درصدد این برآمدند که به افکار و نیات شوم خود توسط افرادی که در سر سودای قدرت داشتند، جامه‌ی عمل بپوشانند، با این باور که بعد از رحلت پیامبر حرکت دین اسلام را به سود خود برگردانده و دوباره قدرت را در دست گیرند؛ اما با انتخاب امیر مؤمنان علی (ع) به‌عنوان جانشین پیامبر، تمام آنچه را که در سر می‌پروراندند نقش بر آب شد. جان‌فشانی‌های امیر مؤمنان (ع) در جنگ‌ها و مقابله‌ی ایشان با حیل‌های منافقان، باعث شد حضرت علی (ع) دشمنان زیادی پیدا کنند و سبب گردید سران منافقین از این کینه و عداوت سوء استفاده کنند. همچنین انتخاب امیر مؤمنان (ع) در روز غدیر به‌عنوان جانشین پیامبر، در بین آنان که در پی قدرت بودند ایجاد حسادت نمود. با وجود این‌که خداوند کریم بارها پرده از چهره‌ی منافق و مکار آنان برداشته بود و خودشان هم می‌دانستند که خداوند و پیامبر از نیت شوم و درون

فتنه‌جوی آنان با خبر هستند، باز حیا نکرده، از دسیسه‌های خود دست برنداشتند. در اینجا نمونه‌ای را بیان می‌کنیم.

خداوند در آیاتی از سوره‌ی مبارکه‌ی حضرت محمد (ص) پرده از نیت شوم منافقین برداشت. با اندیشه و تفکر در آیات ذیل و با در نظر گرفتن افکار و عملکرد آنان بعد از رحلت پیامبر (ص) پی می‌بریم که چگونه نفاق، حسادت و قدرت طلبی‌شان بر خدا و پیامبر فاش بوده و آنان فقط به رسوایی خود افزودند.

﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطُّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۲۲ سوره‌ی مبارکه‌ی محمد (ص)﴾ آیا اگر به حکومت رسیدید، می‌خواهید در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندی‌تان را ببرید؟

و آن سیه‌روزان پلید دقیقاً همین کار را انجام دادند و در اندک زمانی پس از رحلت پیامبر (ص)، دخت گرامی ایشان سرور عالمیان حضرت زهرا (س) را شهید کردند و بعد از ایشان امیر مؤمنان علی (ع) و همه‌ی اهل بیت و خویشاوندان پیامبر را به شهادت رساندند و نوه‌ی پیغمبر را در صحرای کربلا سر بریدند که بریده باد ریشه و دستان فتنه‌جوی آن‌ها.

﴿إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۲۵ سوره‌ی مبارکه‌ی محمد (ص)﴾ شیطان اعمال کسانی را که بعد از آشکار شدن راه هدایت مرتد شدند و بازگشتند در نظرشان بیاراست و آرزویشان دراز کرد.

در این آیه خداوند کریم آنانی که در سر حکومت و در دل حسادت، کینه و انتقام را آرزو داشتند را رسوا فرموده‌اند.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۲۸ سوره‌ی مبارکه‌ی محمد (ص)﴾ این به کیفر آن است که از آنچه خدا را به خشم می‌آورد پیروی می‌کرده‌اند و از آنچه خشنودش می‌ساخته کراهت داشته‌اند، خدا نیز اعمالشان را نابود کرد.

خداوند کریم در بیان خشنودی خود از انتخاب امیر مؤمنان به جانشینی پیامبر را در آیه ۳ سوره مائده این چنین بیان فرمودند که: «امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم» ولی این منافقان و حسودان از این انتخاب کراهت داشتند، عهد شکستند و خشم خدا را خریدند.

﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْعَانَهُمْ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۲۹ سوره‌ی مبارکه‌ی محمد (ص)﴾ آیا آنان که در دلشان مرضی است می‌پندارند که خدا کینه‌ای که در دل نهفته دارند را آشکار نخواهد کرد؟

شکر و سپاس پروردگار کریم را سزاست که خیلی زود نقاب از چهره‌ی حسود و کینه‌توز آنان برداشت.

﴿وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَكَلَّعْنَا عَنْهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۳۰ سوره‌ی مبارکه‌ی محمد (ص)﴾ و اگر ما بخواهیم آن‌ها را به تو نشان می‌دهیم تا آنان را با قیافه‌هایشان بشناسی، هرچند می‌توانی آن‌ها را از طرز سخنانشان بشناسی؛ و خداوند اعمال شما را می‌داند!

این آیات به قدری روشن است که نیازی به شأن نزول ندارد، کافی است عملکرد منافقان و قدرت طلبان را بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام به یاد

بیاوریم تا صحت این گفتار برایمان روشن شود. لعنت و نفرین بر آنان و بر ادامه دهندگان راهشان، از اولین تا آخرین.

در این رابطه به گوشه‌ای از وصیت و پیش‌بینی پیامبر عظیم‌الشأن اسلام که برای اهل‌بیتشان فرمودند اشاره می‌کنیم، ایشان قبل از رحلتشان از دنیا پرده از چهره‌ی حسودان و دنیاپرستان سست ایمان برداشتند و این‌گونه بیان فرمودند: عزیزان من، چقدر سخت خواهد بود بعد از من برای شما اهل‌بیت که با چشم‌های خود گوساله‌ی ساخته شده به دست امت مرا خواهید دید و در این طغیان چون یاران با وفای حضرت موسی صبر خواهید کرد و آنان مستانه به دور این ساخته‌ی دست خویش خواهند گشت تا آنجا که فرزندان مرا به قتل خواهند رساند و کفر و طغیان، زمین را فرا خواهد گرفت. گوساله هر روز با رنگ و تزئینی زیباتر مردم را به خود فرا خواهد خواند و مستی و فراموشی و تاریکی، دین مرا فرا خواهد گرفت و نام من در مستی آنان که به دور گوساله می‌چرخند فراموش خواهد شد تا آنکه فرزندانم مهدی از کوه لطف و احسان الهی پایین بیاید و آن‌چنان این گوساله را نابود کند که هیچ کدام از ادیان الهی این نابودی را در کفر تجربه نکرده باشند و آن زمان است که قلب آنان که از کفر رنج کشیده به انوار الهی مرهم و شفا خواهد یافت و شادی آن لحظه برای آفرینش مانند آمدن قیامت ثابت خواهد ماند.

همچنین در وصیت و سفارش خود به امتش، به‌عنوان اتمام حجت، چنین فرمودند: بعد از من به آنچه برایتان می‌گذارم یقین کامل بیاورید و خود را مستحق آتش نکنید. به شما وصیت می‌کنم که از امانت‌های الهی خود مراقبت کنید و آنان را میازارید؛ نور قلب من که نور آیات کریمه‌ی قرآن

است، فرزندان و جانشینان من هستند؛ من ثروت خود را به آنان بخشیدم و در حالی از دنیا می‌روم که به دنیا بدهکار نیستم. به نوری که پروردگار کریم برایتان نازل نمود عمل کنید و قرآن کریم را چون بُتان در جایگاه زیبا نگذارید و به آرایش‌های زیبا میارایید. از فرامین الهی اطاعت کنید و با عمل به آن خود را از آتش قهر خداوند نجات دهید.

جان عالم به فدای قلب نازنین پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) که با تحمل رنج‌ها و سختی‌های بسیار، انسان‌ها را از جهالت و بت‌پرستی نجات دادند، ولی امتش به جای قدردانی، به فرزندانش ظلم و ستم کردند. امت حضرت موسی (ع) بعد از دیدن معجزات بسیاری که برای آنان نازل شده بود در غیبت پیامبرشان پست‌ترین را انتخاب کردند. در مقابل کفران نعمت بنی‌اسرائیل، گوساله پرستی لیاقت آنان بود و امت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) نیز در عوض قدردانی از نعمت وجود مقدس امیر مؤمنان علی (ع) و سرور، عالمیان کوثر بی‌همتای الهی حضرت زهرا (س) و فرزندان گهربارشان که خداوند کریم به آن‌ها عطا کرده بود، به دور گوساله‌هایی که شیطان و نفس برایشان آراسته بودند، جمع شدند و چون بهترین‌ها را انتخاب نکردند خداوند مدبر و حکیم بدترین و پست‌ترین‌ها را نصیبشان کرد.

اللهم عجل لولیک الفرج

دسیسه‌ی دشمنان شیعه

در عصر حاضر (قرن ۱۴ ه.ش) در ایران کسانی که از پدر و مادر شیعه به دنیا آمده‌اند به دسیسه‌ی دشمنان شیعه مورد تهاجم فکری قرار می‌گیرند. این دشمنان که در لوای ملی‌گرایانه از زباله‌دان تاریخ برای خود کسب نام و نشان و اعتبار می‌کنند، به مسلکی گرایش دارند که اولاً ریشه‌ی دینی نداشته، ثانیاً در زمانه‌ی اوج خود، تنها مورد قبول مستکبران و درباریان بود است. تاریخ نشان از این دارد که ایرانیان مردمی بودند که در مقابل تصرف سرزمینشان مقاومت زیادی داشتند ولی در برابر دین اسلام فوراً با جان و دل تسلیم شدند و یزدگرد، پادشاه ایران به دست اعراب کشته نشد بلکه توسط ایرانیان به قتل رسید. این نشانگر عدم رضایت آنان از حکومت بود و به تأیید تاریخ در شب تولد وجود مبارک پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) مراکز ظلم و کفر در جهان به برکت وجود مقدس ایشان دچار تزلزل گردیدند و دیوار کاخ کسری که یکی از این مراکز بود شکسته شد که دلیلش ظلم پادشاهان ایران بود و نیز آتشکده‌ای که قرن‌ها آتشش به کفر روشن بود، خاموش گردید. مسلکی که با چند شعار فریبنده، آتش‌پرستی را که در اصل شیطان پرستی است، رواج می‌دهد که ریشه‌اش در الست است، زمانی که خداوند فرمان داد همه در مقابل حضرت آدم سجده کنند، همه جز شیطان اطاعت کردند و او در مقابل این نافرمانی گفت خداوندا آدم را از گل آفریدی و من را از آتش، من از او برتر هستم و سجده نخواهم کرد. شیطان مورد غضب الهی واقع شد و بعد از آن سعی فراوان کرد تا به بشریت ثابت کند، آتش از خاک برتر است. همچنین او در زمان حضرت ابراهیم (ع) سعی داشت

به وسیله ی نمرود با آتش، حق را بسوزاند اما با گلستان شدن آتش به فرمان الهی شکست خورد. شیطان که نمی توانست آشکارا حتی جاهلین و گمراهان را در ظاهر به پرستش خود دعوت کند، او این منظور شوم خود را در قالب دیگری عملی کرد که آتش در بتکده ها نشان از این دارد.

متأسفانه در عصر حاضر، جاهلیت تا اندازه ای زیاد شده که برخی به طور علنی شیطان پرستی می کنند. پس اگر جوان شیعه گمراه شد، از کامل ترین دین یعنی شیعه ی پیرو امیر مؤمنان علی (ع) و امامان معصوم مخصوصاً امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) به زردشتی یا مجوسی یعنی آتش پرست، نزول پیدا می کند و همان طور که ذکر شد آتش پرست همان شیطان پرست است؛ اما در حال حاضر برای فریب افکار عموم اذعان دارند که ما آتش را نمی پرستیم، بلکه برایمان مقدس است، درحالی که دروغ می گویند زیرا خداوند کریم پرستش آتش آنان را تأیید فرموده و از دین زرتشت به نام مجوس یعنی آتش پرست یاد فرموده است و در آیه ی ۱۷ سوره ی مبارکه ی حج در این مورد چنین می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾^۱

﴿آیه ی کریمه ی ۱۷ سوره ی مبارکه ی حج﴾ خدا میان آنان که ایمان آورده اند و آنان که کیش یهود و صابئان یا نصاری یا مجوس (آتش پرستی) برگزیده اند و آنان که مشرک شده اند در روز قیامت حکم می کند زیرا او بر هر کاری ناظر است.

و در قسمتی از آیه ۱۸ همین سوره نیز می فرماید:

﴿... وَكَثِيرٌ حَقٌّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۱۸ سوره‌ی مبارکه‌ی حج﴾ و بر بسیاری عذاب محقق شده و هر که را خدا خوار سازد هیچ کس گرامی‌اش نمی‌دارد زیرا خدا هر چه بخواهد همان می‌کند.

پس این مردم به خاطر کفران و عصیان‌شان خوار شدند که از ابتدا نفس‌شان را می‌پرستند و توحیدشان با شک و تردید همراه بود.

در آیه ۱۱ سوره مبارکه حج خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكُمْ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۱۱ سوره‌ی مبارکه‌ی حج﴾ و از میان مردم کسی است که خدا را با تردید می‌پرستد. اگر خیری به او رسد دلش بدان آرام گیرد و اگر آزمایشی پیش آید رخ برتابد که در دنیا و آخرت زیان ببیند و آن زیانی آشکار است.

خداوند توانا و مهربان در آیه‌ی ۸۱ سوره اسراء فرمودند:

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۸۱ سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء﴾ بگو: حق آمد و باطل نابود شد. حقا که باطل نابود شدنی بود. بله این چنین است، حق پایدار و باطل نابود خواهد شد و این وعده‌ی خداوند حکیم است.

همچنین در قسمتی از آیه‌ی ۸۶ سوره‌ی هود فرمودند:

﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ...﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۸۶ سوره‌ی مبارکه‌ی هود﴾
اگر ایمان آورده‌اید، خداوند بهترین را برای شما حفظ فرمود.

این چنین است خداوند بهترین‌ها را برای آنان که ایمان آوردند حفظ فرمود و آن وجود مقدسِ جوهر هستی، منجی عالم بشریت، مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) می‌باشند و خداوند هرگز خلف وعده نمی‌کند پس باید فریاد کرد:

اللهم عجل لوليک الفرج

حضرت بقیة الله (عج)

زبان و قلم قاصر و ناتوان است از اینکه درباره‌ی قطب عالم امکان، محور عالم وجود و واسطه‌ی بین غیب و شهود حضرت بقیة الله (عج) حرفی گفته یا مطلبی نوشته شود، با کسب اجازه از وجود مبارک ایشان قطره‌ای از این اقیانوس را به اذن الله و به اذن رسول الله (ص) و به اذن امیر مؤمنان و امامان بر حق و به اذن مولانا صاحب الزمان (عج) بیان می‌کنیم.

تولد آن بزرگوار در شب جمعه نزدیک اذان صبح پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری واقع شده است. پدر گرامی ایشان امام یازدهم حضرت امام حسن عسکری (ع) و مادر بزرگوارشان حضرت نرجس خاتون (س) دختر پادشاه روم هستند. در زمان امام حسن عسکری (ع) قبل و بعد از تولد امام عصر، خاندان عباسی بیشترین فشارها، ظلم‌ها و مراقبت‌ها را بر خانواده ایشان روا می‌داشتند. معتمد عباسی که لعنت خدا بر او و پدرانش باد از هر فرصتی برای آزار و اذیت امام و اهل‌بیتشان استفاده می‌کرد. حضرت حجت (عج) پنج سال با پدر زندگی کردند. پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) ایشان بر جسم مطهر پدر بزرگوارشان نماز خواندند. چون گماشتگان معتمد عباسی قصد دستگیری و شهادت ایشان را داشتند، به اذن پروردگار کریم از نظرها غایب شدند اما در مدت ۷۴ سال بعد از غیبت، چهار نفر از خواص شیعه به نیابت امام زمان (عج) منصوب شدند و حضرت اکثر امور را به واسطه‌ی آنان انجام می‌فرمود. اسامی این چهار نفر به ترتیب عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین

بن روح و علی بن محمد ثمالی می‌باشد و این افراد همگی مورد اعتماد ائمه اطهار و بزرگان شیعه بودند. بعد از ۷۴ سال نامه‌ای از امام برای علی بن محمد سمري فرستاده شد که در آن نامه حضرت فرموده بودند: در همین چند روز از دنیا خواهی رفت و نیابت خاصه تمام می‌شود و از این به بعد نوبت غیبت کبری است. به این دلیل آن ۷۴ سال را غیبت صغری می‌نامند.

اصل غیبت سِرِّی از اسرار الهی است ولی آنچه مسلم است، حضرت بقیةالله ارواحنا لک الفداء، موکل و نگهبان عالم امکان هستند و به هیچ وجه از ما دور و بی‌خبر نمی‌باشند.

خداوند کریم در آیه ۱۰۵ سوره توبه این‌گونه تذکر فرمودند:

﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۱۰۵ سوره‌ی مبارکه‌ی توبه﴾
بگو عمل کنید که خدا و پیامبرش و مؤمنان اعمال شما را خواهند دید و شما به نزد دانای نهان و آشکار بازگردانده می‌شوید و او از اعمالتان آگاهتان خواهد کرد.

تمام معصومین مخصوصاً امام عصر (عج) از همه‌ی اعمال و رفتار ما آگاهی دارند زیرا حضرت حجت (عج) در کنار ما زندگی می‌کنند که خود ایشان فرمودند: همانا ما شما را بی‌سرپرست نگذارده‌ایم؛ مراعات و مواظبت از شما به عهده ماست؛ به یاد شما هستیم و اگر این‌گونه نبود دشمن شما را نابود می‌کرد.

از امام جعفر صادق (ع) روایت شده است که از پیامبر گرامی اسلام سؤال شد فایده‌ی امام غایب برای عالم هستی چیست؟ فرمودند: امام غایب نظیر خورشید زیر ابر است. چنانچه خورشید زیر ابر مفید برای عالم ماده است. گرچه مردم از دیدن آن محروم هستند؛ این چنین است وجود امام غایب.

اللهم عجل لولیک الفرج

ظهور از دیدگاه احادیث و روایات صحیح و نادرست

در کتب معروف حدیث، نقل قول‌هایی دور از منطق و عقل از پیامبر گرامی اسلام (ص)، امیر مؤمنان (ع) و سایر امامان بر حق نوشته شده که اکنون سند شیعه به حساب می‌آیند. این کتب باید مورد بررسی و تجدید نظر علما واقع شوند که متأسفانه نه تنها در این مورد اقدامی نشده و نمی‌شود، بلکه رسانه‌ها، با اضافه کردن شاخ و برگ‌هایی به این اکاذیب و داستان‌سرایی‌های دروغ، باعث تعجب و حیرت اهل فکر می‌شوند. با توجه به وضوح کذب و نادرستی این روایات، علمای دین ما مسئول‌اند و باید آن‌ها را مورد بررسی و تجدید نظر قرار دهند؛ زیرا همین روایت‌ها و احادیث دروغ باعث لوث شدن این امر بزرگ الهی یعنی ظهور شده و دشمنان، آن را به سُخره می‌گیرند درحالی‌که عملکردشان نمایان‌گر این است که در باطن، ظهور را قبول داشته و به آن یقین کامل دارند. برای نمونه آمریکا با سرمایه‌گذاری‌های کلان کمیته‌ای با شرکت جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و کارشناسان ادیان مختلف، مخصوصاً دین اسلام و شیعه تشکیل داد و سعی در کم‌رنگ کردن امر ظهور در میان مسلمانان و شیعیان نمود زیرا می‌دانند که از ظهور مولایمان امام زمان (عج) نمی‌توانند جلوگیری کنند. فیلم‌ها، کاریکاتورها، اشاعه‌ی فساد و شیطان‌پرستی در ایران و رواج عقاید ملی‌گرایانه‌ی زرتشتی، دست‌پخت این کمیته شیطانی است. در مقابل ما که ادعا می‌کنیم منتظر و عاشق امام زمان (عج) هستیم، نه تنها خودمان و نه بزرگان و علمای دینمان در مبارزه با این فتنه‌ها سرمایه‌گذاری نمی‌کنیم بلکه با چاپ نقشه‌ی جنگ امام عصر در زمان ظهور و قصه‌پردازی‌های کاذب در مورد آن، کمک بیشتری به

دشمنان در این راستا می‌کنیم. در اینجا به گوشه‌ای از این داستان‌پردازی‌ها که نمی‌دانیم نویسندگان چگونگی به خود جرأت داده‌اند که آن را به دروغ از پیامبر و امامان نقل کنند، اشاره می‌کنیم.

این پیش‌بینی‌ها ناشی از عدم آگاهی است و این مطالب کاملاً بیان‌گر این موضوع است که نویسنده تحت تأثیر مکان و امکانات و افکار زمانه‌ی خود قرار داشته است. لشکرکشی، استراتژی جنگی و نوع سلاح‌هایی که در این احادیث ذکر شده مربوط به قرن‌ها پیش است و هیچ اشاره‌ای به وسایل جنگی عصر حاضر مانند توپ و تانک و هواپیما و موشک قاره پیمای در این نوشته‌ها نشده و نویسنده، دنیا را فقط شامل چند کشور مثل حجاز و یمن و عراق می‌دانسته و حتی در بعضی از این نوشته‌ها، سران حکومت‌ها را کسانی نام برده که هزاران سال قبل دفتر زندگی‌شان بسته شده است. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

در روایتی نقل شده که شخصی به نام بشیر که صورتش سیلی خورده و به پشت برگشته در زمان ظهور نزد امام می‌آید و می‌گوید: من از لشکر سفیانی هستم. من و برادرم جزو آن لشکر بودیم و شهرهای دمشق و کوفه تا بعد آن را ویران کردیم. آنگاه به مدینه آمدیم؛ این شهر را نیز درهم کوبیدیم و اسبان خود را در روضه نبوی بستیم و منبر مسجد پیامبر را خراب کردیم. با سپاهی بیش از ۳۰۰،۰۰۰ نفر به قصد خراب کردن کعبه حرکت کردیم. در آن موقع همه در زمین فرو رفتند و فرشته‌ای به صورت من و برادرم سیلی زد و صورت ما این‌گونه به پشت برگشت. آنگاه حضرت قائم (عج) دست به صورت او می‌کشد و به حالت اول برمی‌گردد.

اولاً این آقای بشیر که صورتش به عقب برگشته چگونه نفس می‌کشیده، چون در اثر چرخش سر، لوله مری و نای به هم پیچ خورده و بسته می‌شود و از آن مهم‌تر این آقا چرا قطع نخاع نشده و با اینکه سرش ۱۸۰ درجه چرخش داشته چگونه راهی چنین طولانی را برای دادن خبر به امام طی کرده؟ ثانیاً در این روایت خبری از کشورهای غربی و هواپیماها و موشک‌هایشان نیست. اگر حکومت‌های غربی به دست امام از بین رفته‌اند پس سفیانی و لشگر ۳۰۰،۰۰۰ نفری‌اش چگونه در این میان قد علم کرده و جنایت و جسارت می‌کنند؟ در ضمن سفیانی این ۳۰۰،۰۰۰ رأس اسب را چگونه تأمین کرده است؟

در روایت دیگری می‌خوانیم زمانی که حضرت قائم (عج) قیام کنند به کوفه تشریف فرما می‌شوند. بیش از ۱۰،۰۰۰ نفر از آنجا بیرون می‌آیند، به آن حضرت عرض می‌کنند که برگرد به همان مکانی که بوده‌ای، ما نیازی به فرزندان فاطمه (س) نداریم. ایشان شمشیر می‌کشند و همه را می‌کشند. سپس وارد کوفه می‌شوند و تمام افراد منافق و جنگجو را هلاک می‌کنند تا خداوند متعال راضی شود. و اعجاباً، در روایت اول از قول امام صادق (ع) نوشته شده که شهر کوفه توسط لشگر سفیانی ویران و مردم آن کشته می‌شوند و در این روایت از قول امام باقر (ع) نقل شده که آقا امام زمان ده هزار نفر از مردم کوفه را به تنهایی می‌کشند که اگر در هر دقیقه یک نفر کشته شود، هفت شبانه روز برای کشتن ۱۰۰۰۰ نفر زمان لازم است.

واقعاً تأسف‌آور است، اینان احترام به امامت را به فراموشی سپرده‌اند. امام باقر (ع)، پدر امام صادق (ع) است؛ با این وجود از امام صادق (ع)

روایت‌هایی را نقل می‌کنند که عکس فرموده‌ی پدر بزرگوارشان می‌باشد. واحیرتا، این افراد تراوشات ذهنی خود را منصوب به امامت کرده و آن را سند شیعه می‌نامند و این سبب می‌گردد که کشورهای نظیر آمریکا، بازی کامپیوتری را طراحی و به کشورهای مسلمان صادر کنند که کاربرانش در مرحله‌های مختلف با شمشیر زنِ آخرالزمان، جنگ می‌کنند تا آن را از بین ببرند.

همچنین از قول امیر مؤمنان علی (ع) روایت‌هایی به دروغ ذکر شده که قسمت‌هایی از آن را بازگو می‌کنیم.

بیان کرده‌اند: آنگاه حضرت مهدی (عج) امر می‌فرمایند مرکب‌های سواری بسازند و در کرانه عکا ۴۰۰ کشتی ساخته می‌شود و به طرف طرطوس (از شهرهای بندری سوریه) به حرکت در می‌آیند و آنجا را فتح می‌کند. سوآلی که ذهن را مشغول می‌کند این است که چرا همه‌ی توجهات و جنگ‌ها به کشور سوریه که یکی از کشورهای جهان سوم است ختم می‌شود و سایر کشورهای قدرتمند جهان فراموش شده‌اند؟ شاید دلیلش این باشد که در زمان نقل این احادیث دروغ، سرزمین سوریه به خاطر حضور حکومت بنی‌امیه در آن محدوده برایشان قوی‌ترین کشور به حساب می‌آمد که باید آن را از بین می‌بردند. همچنین در این روایت به ساخت ۴۰۰ کشتی در زمان کوتاهی اشاره شده که مجهزترین کارخانه‌های کشتی‌سازی جنگی در عصر حاضر حتی تولیدشان به ۱۰ کشتی در سال نمی‌رسد، پس ساختن ۴۰۰ کشتی سال‌ها به طول خواهد انجامید.

متأسفانه در روایتی جعلی از رسول اکرم (ص)، امیر مؤمنان علی (ع)، امام صادق (ع) و امام باقر (ع) نقل شده که: برای او (امام زمان (عج)) در

طالقان اسب‌های زیبا و تکاوران و مردانی با تجربه و کاردان که خداوند از این نوع مردان ۳۱۳ تن به تعداد اهل بدر از اطراف و اکناف جهان به دور او جمع می‌کند. خوشا به حال مردم طالقان. در آنجا طلا و نقره نیست بلکه مردانی هستند که به درستی خداوند را شناختند. اینان از یاوران حضرت مهدی (عج) هستند.

همین روایت باعث شده در طالقان طایفه‌ای تارک دنیا شده برای این‌که جزء این مردان باشند، دور از همه‌ی امکانات و ماشین‌آلات و برق زندگی می‌کنند. درست برخلاف عملکرد امام عصر (عج) که در بطن جامعه زندگی می‌کنند و به تمام علوم و اندیشه و تفکر این زمان واقف هستند. همچنین می‌گویند که پس از ورود، حضرت سران ظالم و غاصبان اهل‌بیت را از قبر بیرون می‌آورند و به صورتشان سیلی می‌زنند. اولاً چطور می‌توان باور کرد که اجساد این اشخاص پلید بعد از ۱،۴۰۰ سال سالم باشد ثانیاً می‌دانیم و یقین داریم که خداوند سبحان در پاداش مؤمنان، بهشت را در کمال زیبایی به آنان عطا می‌کند که نمونه‌ی آن را در هیچ کجا نمی‌توان سراغ گرفت همان‌گونه‌ای که در قرآن کریم توصیف آن آمده و همچنین عذاب گناهکاران و ظالمان نیز به‌طوری بی‌نظیر است که با خواندن آیات عذاب لرزه بر اندام انسان می‌افتد پس سیلی در مقابل چنین عذابی نوازش به حساب می‌آید روزی یکی از دوستان کتابی را به من نشان داد که در آن از قول یکی از علمای بزرگ نوشته بود که احتمالاً از ایشان نبوده که در زمان ظهور امام حسین (ع) و یارانش با یزید و سربازانش زنده شده با هم جنگ می‌کنند، این دفعه امام حسین (ع) پیروز می‌شود یزید شکست می‌خورد واقعاً باید به حال این‌ها تأسف خورد که امام حسین (ع) را در نهضت عاشورا شکست خورده و یزید را پیروز می‌دانند

درحالی که پیروزی امام حسین (ع) ۱،۴۰۰ سال است الگو و افتخار شیعه حتی بشریت است و شکست و رسوایی یزید ننگ ظالمانه‌ی تاریخ.

علمای ما در مورد حدیث‌هایی از این دست مسئول‌اند؛ روایت‌هایی که باید هر چه زودتر مورد تجدید نظر قرار گیرند. استناد ما نباید صرفاً بر اساس گفته‌ی اشخاص مهم در کتاب‌های معروف باشد و نباید این‌گونه برداشت کنیم که چون این افراد روایات را نقل کرده‌اند پس حتماً درست است. ولی متأسفانه اکنون می‌بینیم که نقل را هرچند دور از عقل باشد، سند قرار می‌دهند.

خداوند در قرآن می‌فرماید: آنان می‌گویند پدرانمان را بر این باور دیدیم. پس ما نیز از آن بدون هیچ اندیشه‌ای پیروی می‌کنیم. بگو پدرانمان غافل بوده‌اند.

باید به این فرموده‌ی پیامبر عظیم شأن اسلام حضرت محمد (ص) که: من شهر علم هستم و علی دروازه‌ی آن. باور و یقین داشت که وارثان این علم، امامان معصوم هستند که علمشان محدود به زمان و مکان خاصی نیست؛ اما روایت‌هایی از رسول گرامی اسلام (ص)، امیر مؤمنان علی (ع) در نهج‌البلاغه و همچنین بقیه‌ی امامان در مورد عادات و عملکرد و افکار مردم آخر زمان وجود دارد که از تیر رس و دست‌کاری‌ها و تحریفات به دور مانده است. این سخنان زیبا، روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه، از زبان امامان به‌گونه‌ای بیان شده که به دلیل عدم تناقض با هر عصر و زمانی، انسان گمان می‌کند که همین امروز بیان شده است. اکنون به چند مورد از این احادیث صحیح به‌طور خلاصه اشاره می‌کنیم تا عقلتان را به کار انداخته بین این سخنان گهربار و آن خیال‌بافی‌ها و داستان‌سرایی‌هایی که

نقل شد، قضاوت کنید. این روایت‌ها که در حقیقت آینه‌ای است از دنیای قبل از ظهور، کاملاً با عصر حاضر منطبق است.

رسول گرامی اسلام (ص) در مورد دوران قبل از ظهور چنین فرمودند: به زودی زمانی بر امت من فرا می‌رسد که از قرآن جز رسم و از اسلام جز اسم باقی نماند. آنان به نام مسلمان خوانده می‌شوند درحالی‌که دورترین مردم از اسلام‌اند. مساجد آنان آباد و از هدایت خالی و خراب است. فقهای آن زمان بدترین فقها در زیر آسمان‌اند و فتنه از ایشان آغاز می‌شود و به آنان باز می‌گردد. اسلام در اول غریب و تنها بود و به زودی نیز همچون آن زمان غریب و تنها خواهد شد. خوشا به حال تنهاییان و غریبان.

از جابر بن عبدالله انصاری نقل است که در حجة‌الوداع، خدمت رسول اکرم (ص) بودم؛ وقتی که پیامبر (ص) اعمال واجب حج را تمام فرمودند به‌عنوان وداع به خانه‌ی کعبه نزدیک شدند. حلقه‌ی در خانه را گرفتند و با صدای بلندی که همه آن را شنیدند، فرمودند: (در اینجا قسمتی از این روایت طولانی را بیان می‌کنیم) زمانی خواهد شد که مثل شما مانند درختی است که خارهای جانگداز دارد و در این فصلِ زندگی نمی‌بینید مگر پادشاه ستمگر یا ثروتمند بخیل یا عالم دنیا پرست یا فقیر دروغ‌گو یا پیرمرد زناکار یا بچه‌ی گستاخ یا زن نادان و احمق. آنگاه رسول گرامی اسلام گریه کردند. سلمان فارسی عرض کرد یا رسول‌الله به ما خبر بده این زمان کی خواهد بود؟ حضرت فرمودند: هرگاه علما و دانشمندان شما کم شوند، منکرات در اجتماع شما رواج پیدا کرده و علم را زیر پای خود قرار دهید (کتابه به علوم اسلامی و معارف حقه اهل‌بیت (ع) دارد) سخن معمولی، دروغ. نُقل مجالس، غیبت

و آنچه را به دست آورید حرام است. در آن زمان بزرگان بر کوچک‌ترها رحم نمی‌کنند؛ کوچک‌ترها نیز احترام آنان را نگاه نمی‌دارند. در این حالت لعنت خداوند بر شما نازل می‌شود و سختی‌ها دامن شما را خواهد گرفت و از دین جز لفظی نماند و عذاب بر شما نازل خواهد شد. همان‌گونه‌ای که خداوند عزوجل فرموده: خداست که می‌تواند به‌وسیله‌ی عذاب‌های مختلف از بالا و پایین شما را مجازات کند یا شما را گروه گروه کند. برخی از شما را آسیب برخی دیگر، بنگر چگونه آیه‌ها را گوناگون می‌کنیم شاید آن‌ها بفهمند.

در این موقع بعضی از اصحاب برخاستند و گفتند: یا رسول‌الله به ما خبر بده این جریان‌ات کی خواهد بود؟

فرمودند: آنگاه که نماز را در وقتش نخوانند، متابعت از شهوات کنند، شرب خمر کنند، به پدران و مادران ناسزا گویند، به دست آوردن مال حرام را غنیمت بدانند و زکات دادن را ضرر و زیان تلقی کنند. وفا کم شود، زنا شیوع پیدا کند، مردان خود را به لباس زنان بیاریند، پرده‌ی حیا از زن‌ها برداشته شود، تکبر دل‌های مردم را پر کند، واجبات الهی را سبک کنند، با گرفتن پول، صاحبان مال را ستایش کنند، ثروت را در راه غنا و شهوات مصرف کنند (خوانندگی و رقص و آواز)، از آخرت غفلت و فقط به دنیا بپردازند، پرهیزکاری کم و طمع زیاد شود، بندگان خدا در جامعه ذلیل و منافقان در میان مردم محترم باشند. مساجد از نظر ظاهر آباد اما دل‌های ساکنانش تهی از ایمان و قرآن را سبک می‌شمارند. انواع خواری‌ها (سختی‌ها و اذیت و آزار) درباره‌ی اهل ایمان اعمال کنند. در این هنگام می‌بینی که صورت این مردم، چهره‌ی آدمی است اما قلب‌های آنان دل‌های شیطانی

(پیر از مکر، حيله، تکبر و امثال این صفات بد). اینان گرگ‌های درنده‌ای هستند که به لباس آدمیان درآمده‌اند. در این موقع روزی نیست که خداوند به آن‌ها نفرماید: آیا از رحمت من مغرور شده به من جرأت پیدا کرده‌اید؟ تصور می‌کنید که من شما را بی‌فایده خلق کرده‌ام و بازگشت شما به سوی من نیست؟ به عزت و جلالم سوگند اگر به خاطر بندگان صالح و با اخلاص نبود، یک آن به معصیت‌کاران مهلت نمی‌دادم و اگر پرهیزکاری بندگان با تقوا نبود، یک قطره باران از آسمان فرو نمی‌فرستادم و یک برگ سبز در روی زمین نمی‌رویاند.

عجبا از مردمی که مال و ثروت را خدای خویش قرار داده‌اند و آرزوهای آن‌ها طولانی است با توجه به عمر کوتاهشان چشم طمع دارند که در جوار رحمت الهی باشند و حال آنکه به مقام قرب نمی‌رسند مگر به وسیله‌ی عمل صالح و آن عمل هم قبول نخواهد شد مگر با راهنمایی عقل.

از اینکه حدیث فوق را به صورت کامل بیان نکردیم، از ساحت مقدسشان پوزش می‌طلبیم. اگر همین مقدار را آینه قرار داده و آن را در مقابل دنیای امروز بگیریم، در این آینه چهره و عمل مردم این زمان به خوبی قابل مشاهده است.

همچنین در این راستا روایت دیگری از نبی اکرم اسلام حضرت محمد (ص) نقل شده که فرمودند:

زمانی بر امت من بیاید که مردم دارای آراء مختلف خواهند شد و از هواها و خواهش‌های نفسانی پیروی می‌کنند و قرآن را با آواز، به صورت

غنا می‌خوانند، بدون اینکه از خداوند ترسی داشته باشند؛ خداوند بزرگ در سایه‌ی خواندن قرآن به آنان اجری نخواهد داد بلکه آنها را لعن می‌کند چون به قرآن عمل نمی‌کنند. پس در چنین عصری ترانه‌ها و ساز و آواز، آدمیان را به طرب می‌آورد آن‌چنان که نفس‌هایشان گویی در طرب آید و لذت و شیرینی قرآن خواندن از آنها گرفته می‌شود. این دسته از مردم از ثواب‌های اخروی بی‌بهره‌اند. در این موقعیت بی‌گناهان را زیاد می‌کشند؛ هرج و مرج بالا می‌گیرد و مردها به مردها اکتفا می‌کنند (از نظر جنسی) و زن‌ها به زن‌ها بسنده می‌کنند. فجور و ساز و آواز در میان آنها رواج می‌یابد و در مجامع خودشان از آن استفاده می‌کنند و کسی آنها را نهی نمی‌کند بلکه تشویق می‌شوند، با اینکه یکی از گناهان کبیره است ولی کبیره بودنش بر آنها پوشیده است. پس وای بر آنها از جزا دهنده‌ی روز رستاخیز و شفاعت من به آنها نخواهد رسید و کسی که راضی به اعمال بد آنها باشد و آنان را از این عمل نهی نکند نیز در روز قیامت پشیمان شود، پشیمانی هم سودی ندارد و من از او بیزارم. در چنین جامعه‌ای زن‌ها برای خود تشکیل مجلس می‌دهند و این جماعات برای سرگرمی است و در مسیر غیر رضای خداوند انجام می‌شود پس چون این مردم را با این کیفیت دیدید از آنها فاصله بگیرید و اگر می‌توانید آنها را نهی کنید و از ایشان برای خدا بترسید زیرا این جمعیت در حال جنگ با خدا و رسول او هستند و خداوند و رسولش از آنها بیزارند.

این روایت نیز به منزله‌ی آینه‌ای تمام‌نما برای جامعه‌ی ما و مسلمانان و شیعیان جهان می‌باشد.

فساد و کفری که در حدیث فوق بدان اشاره شد، نتیجه‌ی دوری از خدا و اسیری در بند شیطان و نفس اماره است که به عینه هر روز شاهد آن هستیم. خداوند کریم با برگزیدن پیامبران و امامان، حجت را بر همه تمام نموده و اختیار و انتخاب را در این دنیا آزاد کرده است و طبق آیاتی از سوره شمس خوبی و بدی، پاکی و پلیدی، رستگاری و تباهی را به انسان الهام فرمود و با آیه‌ی «لا اکراه فی الدین» انتخاب دین را در این جهان به اختیار انسان قرار داده است، در نتیجه اکثر مردم با تصور این که هیچ کسی آنان را به خاطر اعمال بدشان مورد بازخواست قرار نمی‌دهد، به هر عمل ناپسندی دست می‌زنند.

چه زیبا مولا صاحب‌الزمان (عج) در این مورد فرمودند: خداوند کریم امر می‌فرماید: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. همگان طبق فرمانش او را می‌خوانند ولی اجابتی را نمی‌یابند. جانشان در بیابان جهل گرفتار می‌شود. میدان جنگ آماده است؛ ظاهر و باطنش مقابل هم می‌ایستند. ظاهر در امر الهی خود را می‌آراید و باطن با ضربات شک او را مجروح می‌کند تا آنکه خود را می‌نماید. زبان را به معرفی اهدافش به سخن و می‌دارد و فکر را در اختیار می‌گیرد. به راحتی آنچه را که از آن منع شده بود، حق جلوه می‌دهد و جهان را از هدایت تهی می‌بیند. کتاب‌های آسمانی دست نویس می‌شوند و پیامبران الهی فرمانروایانی مستبد. برای اثبات اندیشه‌ی بیمارش به کاوش می‌پردازد و با دلیل و برهان، به صف طرفدارانش می‌افزاید. جهانی بدون مدبر؛ همگان در این جهان رها شده، در قتال یکدیگرند. می‌جنگند تا رتبه‌ی بهتری را کسب کنند. چه کسی جلودارشان است؟ پس آزادانه می‌شود شکار کرد و جانش را پاره پاره و شکم را از گوشتش انباشته نمود. پس در سایه‌ی جهان رها شده‌ی بدون

حساب و کتاب، عمرش به پایان می‌رسد. حال، اندیشه‌اش را گم می‌کند و آن شیفتگی که معمای عمرش بود را به تماشای خود می‌خواند. دیگر چشمی برای دیدن ندارد؛ چه کسی را بخواند تا اجابتش کند؟ او را نمی‌شناسد. آن آغوش پر مهربی که منتظرش بود، جهنمی سوزان می‌شود؛ او را به خود می‌خواند تا در آن، اندیشه‌ی بیمارش را بسوزاند و رهایی برایش ممکن نشود.

شرح علائم و نشانه‌های قبل از ظهور که در خطبه‌های امیر مؤمنان علی (ع) و سخنان سرور عالمیان حضرت زهرا (س) وجود دارد بسیار شبیه روایات صحیحی است که در بالا به آن اشاره شد و با توجه به این سخنان بسیار زیبا که از افکار، عقاید و عملکرد جامعه‌ی کنونی خبر می‌دهد، چطور می‌توان آن داستان‌سرای‌ها و اکاذیبی که کاملاً محدود به مکان و زمانی خواص است را باور نمود و آن را از قول پیامبر (ص)، امیر مؤمنان (ع) و امامان معصوم دانست؟

به حول و قوه‌ی الهی با سخنان ائمه اطهار، از باطن افکار و عملکرد مردم عصر حاضر آگاهی پیدا نموده و با تطبیق رفتار انسان‌ها با این احادیث به درستی آن‌ها پی بردیم. پس برای تعجیل در فرج امام عصر ارواحنا لک الفداء هر روز و هر لحظه دعا می‌کنیم.

اللهم عجل لولیک الفرج

حقیقت ظهور

به یاری خداوند حکیم در ادامه با سخنانی که جدا از خیال‌پردازی‌های دور از عقل است، به «ظهور» که یک امر بزرگ الهی، نبأ عظیم و قیامت صغری است می‌پردازیم.

صبحدمی منجی عالم بشریت امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) درحالی‌که به دیوار کعبه تکیه فرموده‌اند با صدایی که در همه‌ی عالم طنین انداز است می‌فرمایند: «انا بقیة الله». آن زمان وجود مبارکشان که نعمت جاریه و کامله‌ی الهی است، ظهور خواهد نمود.

درستی حدیث فوق بر همگان روشن است اما چگونه رخ دادن این امر الهی و مقدمات قبل از آن به یک‌باره نیست که در ذیل به توضیح آن می‌پردازیم.

با کمی اندیشه و تحقیق، پی می‌بریم که امر ظهور به یک‌باره اتفاق نمی‌افتد، زیرا خداوند بزرگ، جهان هستی و تمام مخلوقاتش را با برنامه‌ریزی و نظم بی‌نظیری آفریده و تمامی دستورات الهی نشأت گرفته از حکمت، تدبیر و علم بی‌نهایت خداوند مدبر است. در ذیل به چند نمونه از این موارد اشاره می‌کنیم:

۱ _ هنگامی که خداوند اراده به آفرینش مخلوقی چه به کوچکی دانه‌ی گندم و یا به بزرگی تمام کائنات کند، تنها فرمان می‌دهد «موجود شو». در قرآن کریم نیز به این موضوع اشاره شده است که: پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز بیافرید. در این مورد دانشمندان با بررسی‌های متعدد توانسته‌اند تا حدودی به علم آن دست پیدا کنند که

هر روز ذکر شده در آیه‌ی فوق معادل چند میلیارد سال است درحالی‌که خداوند قادر بود تا جهان هستی را در یک لحظه بیافریند، اما تدبیر و اراده‌اش که بر پایه‌ی نظم است، سبب گردید آفرینش به صورت تدریجی صورت گیرد.

۲ _ با توجه به تدریجی بودن آفرینش و بررسی رسالت پیامبران گذشته متوجه می‌شویم که هدایت بشر نیز از این امر جدا نبوده و در آن نظم و تکامل خاصی رعایت شده است که اگر اراده‌ی خداوند بر این نبود، به جای رسالت حضرت نوح نبی (ع)، در همان ابتدا کامل‌ترین دین و کتاب را به همراه آخرین پیامبرش، حضرت محمد (ص) نازل می‌فرمود. با بررسی رسالت پیامبران و اقوام گذشته درمی‌یابیم که حاصل هدایت و زحمت نهصد و پنجاه ساله‌ی حضرت نوح (ع) فقط به اندازه‌ی جمعیت یک کشتی و حاصل تلاش بسیار حضرت عیسی (ع)، تنها هدایت شدن دوازده نفر (حواریون) بوده است، زیرا مردم آن زمان آمادگی لازم برای هدایت کامله را نداشته‌اند. حتی با معجزات الهی که روشی شهودی برای هدایت بشر است، همانند شتر از سنگ خارج ساختن به واسطه حضرت صالح (ع)، عصا اژدها کردن حضرت موسی (ع) و مرده زنده نمودن حضرت عیسی (ع)، آن‌ها را به یقین و پایداری در ایمان نرساند. همچنین با وجود اینکه حضرت ابراهیم (ع) گمراهی و جهالت مردم را با برهان عقلی به آنان اثبات نمود، امتش در عوض پذیرفتن جهالتشان، آتشی فراهم کردند که او را بسوزانند، اما با ظهور اسلام و نزول قرآن کریم از طرف خداوند متعال بر حضرت محمد (ص)، امت پیامبر خاتم نه تنها کندی و عدم پذیرش امت پیامبران گذشته را نداشتند، بلکه در کمتر از چند دهه دین اسلام در نیمی از جهان منتشر شد و این به واسطه‌ی حکمت و آماده‌سازی بشر

توسط خداوند کریم و زحمات ۱۲۴ هزار پیامبر به خصوص پیامبر اسلام و معجزه‌ی قرآن کریم بوده است که انسان می‌تواند با اندیشیدن به آن، در قلب و روح و ذرات وجودش به یقینی همراه با عشق ازلی به پروردگار برسد و تمام سلول‌های باطنی خود را به آن عشق آغشته کرده و درون خود را به نور خداوند روشن نماید.

۳ - با توجه به عهد شکنی منافقان بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام و دشمنی آنان با امیر مؤمنان علی (ع) و نادیده گرفتن دستور مستقیم خداوند در قرآن کریم مبنی بر امامت ایشان و قدر ناشناسی آنان، این سؤال مطرح می‌شود که چرا اراده‌ی خداوند بر غیبت امیر مؤمنان علی (ع) واقع نشد و یا چرا قبل از شهادت امام حسین (ع) و یارانش این امر صورت نگرفت؟

با توجه به حکمت الهی مبنی بر تکامل تدریجی در امور مختلف، درمی‌یابیم که امر غیبت نیز باید به صورت تدریجی واقع شود. پس وجود یازده امام که نمونه‌ای بی‌نظیر از یک مؤمن، متقی، مجاهد و مبارز واقعی علیه ظلم و کفرند، الگو و راهنمایی کامل برای مردم در زمان غیبت‌اند تا خود را برای ظهور آماده کنند.

امر غیبت مولایمان امام زمان (عج) نیز از همین روش پیروی می‌کند. با ۷۴ سال غیبت صغری، به مردم فرصت داده شد تا یاد بگیرند که در نبود جسمانی و ظاهری امام، چگونه می‌شود از وجود مبارکشان کسب فیض نمود. بعد از این آموزش، غیبت کبری آغاز گردید. پس با توجه به نمونه‌های ذکر شده، نتیجه می‌گیریم که یقیناً امر ظهور مولایمان نیز به تدریج اتفاق می‌افتد.

قبل از پرداختن به موضوع ظهور سؤالی را در رابطه با مباحث گذشته مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اکثراً سؤال می‌کنند که خداوند در قرآن کریم فرمودند:

﴿... لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ...﴾ (آیه‌ی کریمه‌ی ۲۸۵ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره) ﴿ میان هیچ یک از پیامبرانش فرقی نمی‌نهم.

همچنین فرمودند:

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾ (آیه‌ی کریمه‌ی ۲۵۶ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره) ﴿ در دین هیچ اجباری نیست.

پس چرا شما معتقدید که خداوند فرموده دین برگزیده در نزد او فقط اسلام و پیامبر اسلام افضل و اکرم پیامبران است؟ انتخاب ما در عوض دین اسلام و پیامبرش، دین یهود یا نصاری است، چون با توجه به آیات فوق، در بین پیامبران هیچ فرقی نیست و همچنین در دین هم اجباری وجود ندارد، پس ما آزادیم که دین دیگری را انتخاب کنیم.

در جامعه کنونی به دلیل عدم آگاهی مردم از قرآن، دشمنان اسلام سعی در ایجاد شک و انحراف در ایمان مردم دارند همانند آیات فوق که بدون در نظر گرفتن آیات قبل و بعد از آن، آیه را به میل و نظر خویش تفسیر می‌کنند. خداوند در سوره‌ی بقره اعلام می‌دارد که بین پیامبرانش فرقی نیست، به این دلیل که رسالت و وظیفه‌ی همه‌ی آنان هدایت بشریت است و پیامبران الهی در انجام این امر مهم فرقی با یکدیگر ندارند. به‌طور مثال (با پوشش از مقام والای پیامبران الهی) به آموزگارِ مقطع دبستان معلم، دبیرستان دبیر و دانشگاه استاد گفته می‌شود ولی در اصل وظیفه‌شان

فرقی نیست چون همه‌ی آنان وظیفه‌ی تعلیم و آموزش شاگردان را به عهده دارند ولی در مورد نوع آموزش و تعلیم علم، اختلاف زیادی وجود دارد. پس بین رسالت پیامبران با وجود اینکه همه هدایتگر بودند در نوع و وسعت رسالتشان تفاوت وجود دارد. پیامبران اولوالعزم به دلیل وسعت هدایتشان بر سایر پیامبران برتری دارند و پیامبر خاتم حضرت محمد (ص)، چون به کامل‌ترین و آخرین دین مبعوث شدند افضل‌تر از بقیه پیامبران هستند. پس دور از عقل سلیم است، دانشجویی که می‌تواند در دوره‌ی دکتری آموزش ببیند، در مقاطع پایین‌تر همانند دبیرستان، راهنمایی و یا ابتدایی حاضر شود و دلیل عملکردش را آزادی در انتخاب بداند. این کار عقلانی نیست، چون فرصت این را داشته که در دوره‌ی دکتری با استاد آن رشته درس بخواند و چون این کار را نکرده هیچ مدرک و امتیازی به او داده نمی‌شود. در آیه‌ی ۲۵۶ سوره‌ی بقره خداوند کریم فرموده‌اند که در انتخاب دین اجباری نیست چون به وسیله‌ی آیات کریمه قرآن هدایت از گمراهی جدا شده و هر کس که به دستورات قرآن کریم ایمان آورده و به آن عمل کند، سعادت را در دنیا و آخرت برای خود کسب کرده و هر کس گمراهی را برگزیند، از مقام عطایی خداوند دور شده و عذاب و تباهی دنیا و آخرت را برای خود خریده است و در این انتخاب، اگر جامعه مسلمین را آلوده نکند، آزاد است؛ مانند کسی که در بالای ساختمانی ایستاده و می‌خواهد خود را به پایین پرتاب کند؛ او را نصیحت می‌کنند که اگر خودت را به پایین پرت کنی خواهی مرد یا تا آخر عمر زمین‌گیر خواهی شد؛ بعد از آگاهی یافتن، شخص مختار است که انتخاب کند. پس در حقیقت انسان باید هدایت را انتخاب کند وگرنه به گمراهی و تباهی سقوط کرده و عذاب جهنم را برای خود می‌خرد.

متوجه شدیم که هر امر بزرگ الهی به صورت تدریجی واقع می‌شود که امر ظهور یا قیامت صغری نیز از این مقدمات مستثنی نیست.

در این مورد از علم کوثر الهی، مادر دانش انبیا، معدن حکمت و خزانه دار علما، سرور عالمیان حضرت زهرا (س) بهره می‌گیریم و خداوند کریم را شاکریم که چنین کوثر و نعمت جاری ابدی را به بشریت عطا فرمودند؛ فرزند گرامی‌شان امام جعفر صادق (ع) درباره وجود مبارک حضرت زهرا (س) چنین فرمودند: نزد ماست مصحف مادرم فاطمه (س) و مردم چه می‌دانند مصحف فاطمه چیست؟ (اصول کافی جلد ۱ صفحه ۲۳۹)

همچنین امام موسی کاظم (ع) در روایتی چنین نقل می‌کنند: علم به آینده و آنچه از جهان واقع می‌شود در لوح محفوظ یا در جامعه یا مصحف فاطمه (س) نوشته شده که امام معصوم از همه‌ی آن‌ها با خبر است. (اصول کافی جلد ۱ صفحه ۲۶۴) و خود ایشان نیز به شاگردانشان چنین فرمودند: فاطمه را بشناسید تا عالم برایتان در الست و زمین و قیامت معنا شود. فاطمه را بشناسید تا وجودتان در پرتوی آن از جهل نجات یابد.

حال از علم بی‌کران سرور عالمیان حضرت زهرا (س) در امر ظهور بهره می‌گیریم که با اندکی تفکر و اندیشه می‌توان به صحت این احادیث پی برد. ایشان چنین فرمودند:

ظهور نیز همچون غیبت (غیبت صغری و غیبت کبری) در دو مرحله اتفاق می‌افتد؛ ظهور صغری و ظهور کبری. در ظهور صغری وجود مبارک حضرت عیسی (ع) رجعت خواهند نمود و همگان در روی زمین ایشان را خواهند دید و

سخنانشان را خواهند فهمید و ایشان همه‌ی بشریت را به دین اسلام دعوت خواهند نمود و حجت را بر همه‌ی عالم تمام نموده و مژده‌ی ظهور حضرت قائم آل محمد بقیة الله (عج) را خواهند داد و در این فرصت آنانی که ایمان بیاورند نجات پیدا می‌کنند و بقیه از بین خواهند رفت که در این مورد حضرت مریم (س) چنین خدمت سرور عالمیان حضرت زهرا (س) عرض کردند: وقتی پسر م عیسی به دنیا آمد دست‌های کوچکش را به آسمان گرفت و نامی را بر زبان جاری کرد که زمین شروع به لرزیدن نمود و من حضرتش را محکم به سینه چسباندم و سینه‌ام کودک را فراموش کرد و مشتاق نامی شد که به گوش جان می‌شنید و آن نام، ستاره‌ای بود که جهان را به بهشت وعده داده شده‌ی الهی مبدل می‌نمود و هرگاه نامش برده می‌شد بوی بهشت استشمام می‌شد. از پسر م عیسی سؤال کردم: آیا برایم می‌فرمایی که آن نام در خود چه اسراری داشت و آن زمان چه زمانی است؟ پیامبر الهی فرمود: امتی خواهند بود که صاحب اختیارشان سرور عالم حضرت قائم (عج) خواهد بود و آنان همواره او را به مدد خواهند خواند؛ او را نخواهند دید و صدایش را نخواهند شنید تا زمانی که صدای مرا در جانشان زمزمه کنند و آن‌گونه‌ای که من او را سلام گفتم او را سلام گویند. هر کس از من اطاعت کند در کنارش خواهد بود و هر کس از من سرپیچی کند او را نخواهد دید و مانند گیاهانی پوسیده بر زمین خواهند ریخت و درختان پوسیده از جا کنده خواهند شد و به جای آنان گیاهانی بهجت‌آور خواهند رویید.

در ادامه حضرت مریم (س) فرمودند: آنگاه که عیسی را در آغوش گرفتم و انوار وجودش باطل را سوزاند و حق جلوه‌گر شد زمین و آسمان ندا دادند که: ای وعده‌ی الهی، سرور باش که انوار وجودت جاودانه است و

هرگز کفر و طغیان به آن آسیبی نخواهد رساند مانند فرزند آخرین پیامبر که همچون تو انوارش جاودانه است.

حال که با این روایت از شروع و خاتمه‌ی ظهور صغری آگاهی پیدا کردیم، روایت دیگری را در مورد ظهور کبری از فرمایشات سرور عالمیان حضرت زهرا (س) نقل می‌کنیم که ایشان فرمودند:

خداوند کریم در کتاب آسمانی قرآن فرموده، به آنچه برایتان در زمین باقی گذاشتم توجه کنید که آن بهترین است و همین‌طور لحظه‌ی ظهور آن‌چنان با شکوه است که اگر عقلی می‌توانست تا آن را درک کند جز برای آن لحظه ادامه‌ی حیات نمی‌داد. باید مردم آخر زمان در مورد آنچه که در انتظار آن‌هاست به خدا پناه برند چون گوش‌های کسانی که ایمان آنان سست بوده و دین خود را بازیچه و لهو قرار داده‌اند سنگین خواهد شد و ندای انا بقیة الله را نخواهند شنید؛ از کشتی نجات جا مانده و زمین، آنان را مانند نهی کنندگان رسولان، به جای خواهد گذاشت و سختی طوفان عصر ظهور ده برابر سخت‌تر و سنگین‌تر از طوفان نوح خواهد بود. پروردگار تمام آنچه را که از عمارت‌های ظلم برپا گردیده است را در انفجارهای حقیقت با خاک یکسان خواهد نمود مانند آغاز آفرینش که زمین جز برای زندگی پاکان ساخته نشده.

برای درک بهتر حدیث فوق در مورد اینکه زمین در آغاز آفرینش جز برای زندگی پاکان ساخته نشده و اکنون به خاطر وجود ناپاکان به فغان آمده، از سخن زیبای سرور عالمیان بهره می‌گیریم:

چه سعادتمند هستند انسان‌هایی که هدایت پیامبران را چراغ راهشان قرار داده‌اند تا همواره ظلمات جانشان منور به مریبان الستی باقی بماند و گرچه بهشت را به خطای نفس به زمین پر حجاب تبدیل کردند ولی همواره جانشان در هجرانش سوخت و دست را به سوی مدد‌کنندگان راه دراز نمودند تا چراغ جانشان خاموش نشود و راهشان در بیراهه‌های نفس از جانانشان به گودال‌های خطرناک سقوط ننمایند. آنگاه که جان انسان‌ها از ذخیره‌ی الستی‌شان تهی شود و به چراغی بی‌فروغ تبدیل شوند، زمین به فغان عرضه می‌دارد: ای پروردگار من، مرا از نگه‌داری امانت معذور دار تا شاهد مردگانی نباشم که خاک مرا مورد آزار خویش قرار می‌دهند و آنچه را که به لطف به آنان می‌خورانم به آتشی سوزان مبدل می‌نمایند، پس خلیفه‌ام را برانگیز تا مرا از شر شیاطین، نجات بخشد و گیاهان سوخته‌ام را به نهالی زیبا تبدیل نماید و آنگاه دعایش مستجاب شود و مرداب‌های متعفن از میان برود و گیاهان بهجت‌آور بروید و زمین به بهشتی متصل شود که از آن جدا شده؛ پس پروردگار عالم در کتاب آسمانی قرآن کریم می‌فرماید: منتظر باشید که من هم منتظرم.

با این پیش‌بینی‌های جامع و کامل و زیبا که سرچشمه از علم مادر هستی و کوثر الهی دارد پی می‌بریم که سخنان حضرت زهرا (س) کاملاً منطبق با قرآن و دور از هر گونه خیال‌بافی و داستان‌سرایی و همسو با عقل و منطق است و گویای عظمت و بزرگی ظهوری است که وعده‌ی الهی و پیامبران و اولیا، مخصوصاً پیامبر عظیم‌الشأن اسلام حضرت محمد (ص) و امامان معصوم می‌باشد، نه آن روایاتی که ساخته و پرداخته‌ی ذهن عده‌ای خیال‌باف و جاهل است که این امر بزرگ الهی را با تصورات خود بیان کرده و شأن و ارزش آن را در میان مردم عصر حاضر کم‌رنگ

نموده‌اند؛ همچنین علمای ما نیز با اصرار ورزیدن بر صحت این احادیث نادرست، بدون اندیشه و تفکر، صرفاً این روایات دروغ را به‌عنوان سند می‌پذیرند، درحالی‌که رسالت بزرگ خود را که مبنی بر تفکر و تعقل و دعوت به آن است را فراموش کرده و در عوض تطبیق احادیث با قرآن و عقل و منطق، کور کورانه آن را پذیرفته و نسبت به سندیت و رواج آن‌ها تلاش نموده و تعصب به خرج می‌دهند.

امیدواریم بدون تعصب در مورد مطالب فوق اندیشه نموده و در باورهای خود تجدید نظر کنیم؛ زیرا فرصت کم است و مسئولیت ما زیاد و سنگین. باید این سخن سرور عالمیان را سرمه‌ی چشم خویش کنیم که فرمودند:

از علم و عمل من بیاموزید تا چراغی باشد که انوارش جهان را که در تاریکی جهل مبتلا به سیلی ویران‌گر گردیده و به شدت به سمت نابودی ارزش‌های انسانی در حرکت است متوقف کنید. مطمئن باشید با هر کلمه‌ای که نوشته شود جهان را از باورهای غلطش به طرف هدف پیامبر خاتم به حرکت در می‌آورید. پس امیدوار باشید، لحظه‌ای خواهد رسید که ملکوت آسمان و زمین در آن لحظه به هم خواهد پیوست و حقایق وعده‌ها آشکار خواهد شد و دل‌ها، مشتاق شنیدن حقایقی که منتظر آن بوده. پس مراقب نفْس‌های خود باشید تا طراوت خود را در احاطه‌ی کتاب آسمانی آن‌چنان حفظ کند که بتواند نفْس‌های پلید را در جانش به نفْسِ مطهر تبدیل کند و درختان زمین منتظرند تا سایه‌ی امر الهی بر زمین سایه افکند و پروردگار عالم امر فرمایند که خلیفه من و جانشین من در زمین به خانه‌ی من تکیه خواهد نمود و خود را به‌عنوان خلیفه‌ی من

معرفی می‌کند؛ آنگاه درختان زمین محو شوند و برگ‌های خود را بریزند و شاخه‌های خویش را فرود آورند تا سرو قامت منجی پروردگار عالم را در سایه‌بان وجودی‌اش از ملکوت آسمان تا انتها الیه زمین به تماشا بایستند و تبارک الله احسن الخالقین را معنا کنند.

پس شکر پروردگار حکیم و عزیز را سزاست که زمین را برای ظهور منجی و برپایی دولت حق ایشان، از لوث وجود باطلین و هر گونه پلیدی و زشتی پاک می‌فرمایند تا حکومت عدل الهی که آرزوی همه‌ی پیامبران، اولیای الهی و مؤمنین بوده برآورده شود.

برای روشن شدن جایگاه و تأثیر وجود مقدس و بی‌نظیر منجی عالم بشریت، اباصالح المهدی (عج)، با توجه به عنایت‌های خاصی پروردگار در امر ظهور، در این قسمت سؤالی را مطرح کرده و به آن پاسخ می‌دهیم.

با توجه به احادیث ذکر شده از حضرت زهرا (س) مبنی بر این که خداوند کریم به برکت ظهور گران‌قدر ایشان، زمین را به وسیله‌ی طوفانی ده‌ها برابر سهمگین‌تر از طوفان زمان حضرت نوح (ع) از لوث وجود کفر و باطل، پاک و مطهر می‌کنند، پس چرا در فرازهایی از دعای ندبه از ایشان انتظار این پاک‌سازی را داریم که همین فراز از دعا سبب گردیده تا خون‌ریزی و جنگ و کشتار به وجود مقدس ایشان نسبت داده شود.

دو مثال تاریخی را برای روشن شدن این موضوع مطرح می‌کنیم.

۱ - در زمان حضرت نوح نبی (ع)، زمین به وسیله‌ی طوفان از وجود تمامی کافران پاک گردید و مؤمنین با نام خدا و رهبری حضرت نوح نبی

(ع) به کشتی نجات سوار شدند و کشتی با نام خدا حرکت کرد و پس از طوفان نیز با نام خدا ایستاد؛ ولی متأسفانه نسل‌های بعد از این مؤمنین به گمراهی و کفر کشیده شدند به طوری که در زمان حضرت ابراهیم (ع) (پیامبر بعد از حضرت نوح)، فرودیان نمونه‌ی بارز این گمراهان و کافران بودند که به دشمنی با خداوند یکتا پرداختند، پس سبب چنین تغییر فاحشی چیست؟

زیرا پس از حضرت نوح، رهبری و حاکمیت مستمری وجود نداشت که همه‌ی اعمال آنان را پس از پاک شدن زمین از همان ابتدا تحت نظارت و راهنمایی و بازخواست قرار دهد و از کج‌روی‌ها و خطاها جلوگیری کند؛ در نتیجه آن‌ها در دام شیطان و نفس اماره گرفتار شده و روز به روز بیشتر گمراه شدند.

۲ - کشتی نجات امام حسین (ع) در کربلا؛ سوار شدگان بر این کشتی کسانی بودند که در روز عاشورا به رهبری و هدایت امام حسین (ع) حق را برگزیدند و حماسه‌ای جاودانه آفریدند. رهبری این کاروان از مدینه تا کربلا به عهده‌ی ایشان بود و بعد از شهادتشان، این وظیفه را امام سجاد (ع) عهده‌دار شدند. این نظارت و رهبری آن‌چنان زیبا و کارساز بود که در مسیر حرکت از مدینه تا کربلا و کوفه و شام و مدینه ذره‌ای از مسیر حق خارج نشد. نه تنها سوار شدگان بر این کشتی نجات یافتند بلکه ۱۴۰۰ سال است به رهبری امام حسین (ع) هزاران هزار نفر را از طوفان‌های باطل و کفر زمانه نجات می‌دهد و زندگی توأم با سعادت و همراه با حق را به آن‌ها هدیه می‌دهد. اگر امام حسین (ع) در روز عاشورا قبل از یاران با اخلاصش به شهادت می‌رسیدند، حماسه‌ای این چنین بی‌نقص

آفریده نمی‌شد؛ به همین دلیل امام آخرین نفری بودند که به جنگ رفتند. پس با این اوصاف رهبری امام در جامعه توحیدی نقش حیاتی دارد و دوام و استمرار حرکت آن جامعه به سوی توحید و حق، هرچند مردم آن جامعه مؤمن باشند، وابسته و مُلزم به وجود و حضور امام است.

همان‌طوری که گفته شد در زمان ظهور دولت حقه‌ی مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج)، زمین از لوٹ وجود گمراهان و کافران و مستکبران و منافقان پاک خواهد شد و نجات یافتگان که همان سوار شدگان بر کشتی نجات امام زمان هستند در روی زمین زندگی خواهند کرد و ایشان اجازه نخواهند داد تا باطل، کفر، نفاق، ظلم، بی‌عدالتی و گمراهی در جامعه ریشه دوانده تا فرصت رشد پیدا کنند. این جامعه‌ی توحیدی طبق قوانین قرآن کریم اداره خواهد شد و امام اجازه نخواهند داد تا جامعه ذره‌ای از صراط مستقیم خارج شود.

اللهم عجل لوليک الفرج

شناخت امام بر حق و نقش امامت در جامعه‌ی توحیدی

حال به یاری خداوند حکیم وارد بحثی پیرامون شأن و مقام والای امام بر حق در جامعه توحیدی و نقش هدایت‌گرایانه، سازنده و نجات دهنده ایشان می‌شویم.

«امام» در لغت به معنای پیشوا، رهبر و پیشرو است که این نام و مشتقاتش دوازده بار در قرآن کریم تکرار شده و خداوند سبحان، اطاعت از امام را بعد از خود و پیامبرش واجب فرموده است.

خداوند در قسمتی از آیه‌ی ۵۹ سوره‌ی نساء امر می‌فرمایند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾
﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۵۹ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولی‌الامر خویش فرمان برید.

که منظور از اولی‌الامر همان امام معصوم است

و همچنین در قسمتی از آیه‌ی ۳ سوره‌ی مبارکه مائده امامت را کامل کننده دین و نعمتی بزرگ معرفی می‌نمایند.

﴿... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾
﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۳ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده﴾ امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم.

و نیز در آیات ۵۵ و ۵۶ سوره‌ی مائده امام را ولی و سرپرست همه و اطاعت و فرمان‌برداری از او را تنها شرط وارد شدن در حزب خدا و رستگاری قرار داده است:

﴿إِنَّمَا وَبِطْنِكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۵۵ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده﴾ جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و مؤمنانی که نماز می‌خوانند همچنان که در رکوع‌اند انفاق می‌کنند.

﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۵۶ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده﴾ و هر که خدا و پیامبر او و مؤمنان را ولی خود برگزیند بداند که پیروزمندان، حزب خداوند هستند.

آیات فوق گواه بر این است که پیروی و اطاعت از امام، همان اطاعت از خدا و رسول او است و پی می‌بریم که مقام و شأن امام منتخب الهی که از خاندان رسول خدا حضرت محمد (ص) می‌باشد، چه قدر گران‌قدر و بزرگ است؛ امیر مؤمنان علی (ع) امام و وصی پیامبر گرامی اسلام هستند و تمامی امامان نیز از فرزندان و جانشینان ایشان هستند که تمامی فضایل امامت را به ارث برده‌اند. حضرت محمد (ص) در حدیثی چنین فرمودند: دانش و حکمت خود را به علی (ع) داده‌ام. من شهر علم هستم و علی دروازه‌ی آن و نیز فرمودند: یا علی، تو دین من، اسلام را پیاده می‌کنی و وعده‌هایم را که به مردم داده‌ام، وفا می‌کنی و پس از من، تو ادای قرض من می‌کنی و وعده‌هایم را انجام خواهی داد و اگر تو نبودی مؤمنان شناخته نمی‌شدند و راه و رسم دین‌داری و تقوا را نمی‌شناختند.

پس ترازو و میزان عمل در روز قیامت، وجود مبارک حضرت علی (ع) هستند که عملشان، همان حی علی خیرالعمل است و می‌توان نتیجه گرفت که امام نه تنها آموزش و هدایت مردم را به عهده دارند بلکه خود نمادی از مؤمن واقعی هستند و همگان می‌توانند میزان ایمان خود را با ایشان بسنجند. عالم و آگاه بودن به همه‌ی علوم و دانش‌های زمینی و معنوی یکی از خصایص امامت است، چون امام دارای علم لدنی است و علم لدنی به علمی گفته می‌شود که حائل بین شعور ظاهری و شعور باطنی از بین برود، مانند وجود مقدس حضرت پیامبر (ص) که در یک لحظه تمام علوم را فرا گرفتند و هر کس دارای یک شعور ظاهری و یک شعور باطنی عادی و یک شعور باطنی نهانی است که در موقع خواب در شعور باطنی عادی بسر می‌برد و در افراد معمولی گاهی بین شعور باطنی و ظاهری ارتباط برقرار می‌شود و چیزهایی به آن‌ها الهام می‌شود، مانند مکاشفه؛ ولی پیغمبر و امام با شعور باطنی و نهانی خود با تمام دانستنی‌های موجود ارتباط برقرار می‌کنند و به این علم، علم لدنی گفته می‌شود.

اینک بهره می‌گیریم از سخنان گهربار سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که فرمودند: علم مأموران الهی، علم به عالم غیب است که در دسترس جانشینان پیامبر است پس نوשندگان آن هرگز تشنه‌ی دنیا نمی‌شوند؛ زهر جفا را می‌نوشند و از عالم ماده به عالم حقیقی کوچ می‌کنند. فرزندان من آینه‌ی روح الهی هستند. آنچه مردم زمانشان از آنان درک کردند وحشتی بود که وجودشان را مانند صحرای قیامت به لرزه درمی‌آورد و مانند قوم صالح از پی چاره کار برمی‌آمدند تا نور توحید را در زمین مدفون کنند و آن نور در وجودشان به آتش تبدیل شد. امامت، رمز عشق به الله است؛

آنگاه که بندگان پروردگار کریم در پی این رمز درآیند آن را نیابند مگر در سینه‌ی جانشینان پیامبر الهی، پس اطاعت از امر آنان اطاعت از پروردگار کریم است و امر آنان بندگان را از خشم الهی نجات دهد و به سوی نجات از صحرای قیامت مزده دهند. قرآن کریم اطاعت از اولی‌الأمر را واجب کرده است پس اطاعت از مأمور الهی باعث می‌شود تا اتصالتان را به عمل آن‌ها وصل کنید تا بتوانید مراحل رشد را تمام کنید و با شفاعتِ عملِ صاحبانِ ولایت به مقام والای انسانی وارد شوید پس تمام اعضا و جوارح وجودی‌تان را به خدمت امام خود درآورید و مانند مادری که به فرزند خود تهرین زندگی کردن را می‌دهند اعضا و جوارحتان را تهرین دهید تا به اذن ولی نعمت خود به حیات ادامه دهند و لحظه‌ای را بدون حضور امام نگذراند که حیات جاودان و رحمت الهی در گرو خدمت به باران رحمت است که شکفتن و انتهای ثمره دادن است. بزرگ‌ترین فرمان در اسلام اعلام ولایت بعد از رسول خاتم است. خداوند کریم وعده فرموده‌اند که همه‌ی مخلوقات خود را هدایت می‌کنند و تا هدایتگری نباشد کسی را مؤاخذه نمی‌کنند و آن هدایت در رسالت و امامت تا قیامت ادامه دارد. در کنار ولایت بودن، از ظلمات نجات پیدا کردن است و این بهترین لطف و ایثار الهی می‌باشد پس نمازی که بهترین عمل‌هاست بدون ولایت کامل نیست چون این دستور قرآن کریم است که فرموده: من دین را در جانشینی رسالت کامل کردم پس نماز بدون ولایت شبی تاریک و طوفانی است.

حال که از فضل الهی به گوشه‌ای از مقام والا و شأن بی‌نظیر امامت آشنا شدیم و دانستیم که این مقام فقط شایسته‌ی امیر مؤمنان و ۱۱ فرزند گران‌قدر ایشان است، باید بدانیم و یقین داشته باشیم که چون همگی

آنان از نوری واحد هستند، عملکردشان نیز واحد است اما به مقتضای زمان، ظاهر اعمالشان با هم متفاوت بود ولی دارای باطنی یکسان بود و این را یقین بدانیم که همه‌ی خصایص والای امامان را مولایمان امام عصر (عج) به ارث برده‌اند و شنیدن هر عمل و سخنی از امامان گذشته می‌تواند ما را با امام زمانمان بیشتر آشنا کند، لذا به همین منظور بحث را به یاری حق در سه مرحله دنبال می‌کنیم:

۱ - چگونگی تربیت نفس اماره‌ی امت توسط امامان در دوران گذشته.

۲ - نقش فردی در اطاعت از امامت و پیشبرد هدف امامت در رساندن پیام پروردگار عالم.

۳ - نزدیک شدن نفس انسان به مرحله‌ی تزکیه‌ی درونی و آمادگی پذیرفتن حقیقت زندگی برزخی.

در ابتدا مباحث خود را مزین می‌کنیم به فرمایش گران‌قدر و گهربار مولایمان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) که فرمودند: آنچه مد نظر امامت است تهی کردن جان آدمیان از ابهامات شیطان نفس است، پس ظهور در کنارشان است، آن را به سینه بفشارید تا در نهانتان جای گیرد.

بلا تکلیفی، سردرگمی و شک و تردیدی که شیطان با وسوسه‌های خود به کمک نفس اماره بر جان انسان‌ها القاء می‌کند، باعث گمراهی و گناه می‌گردد، در نتیجه انسان نه تنها دنیا را بدون مدبر و صاحب دانسته، بلکه وجود راهنما و هدایتگری که او را از این نابسامانی نجات دهد را، دور و ناممکن محسوب می‌کند. این باورهای غلط در مورد امام عصر

بیشتر بین مسلمانان مخصوصاً شیعیان رواج دارد. این افراد عدم حضور فیزیکی امام در میان مردم را نشان از برقرار نشدن ارتباط با امام معصوم و عدم کسب فیض و راهنمایی و نجات می‌دانند درحالی‌که امام همیشه در بطن جامعه، با مردم هستند و ندیدن امام ناشی از غیبت ایشان نیست چرا که امامان قبلی در جامعه در کنار مردم با دلسوزی برای هدایت آنان تلاش می‌کردند ولی مردم وجود آنها را ندیدند و باور نکردند.

امیر مؤمنان در جنگ‌ها در کنار یاران و سربازان حضور داشتند، شب و روز در بین مردم زندگی می‌کردند و آنان را در همه‌ی زمینه‌ها یاری می‌نمودند. امام حسن و امام حسین (ع) از هدایت و یاری مردم حتی دشمنانشان نیز غافل نبودند. امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) علاوه بر تربیت و تعلیم ده‌ها هزار شاگرد، در جامعه نیز نقش مؤثری در یاری و راهنمایی مردم عام داشتند. مأمون عباسی لعنة الله علیه، امام رضا (ع) را به اجبار به کاخ خود آورد تا به خیال خود ایشان را از مردم دور کند، غافل از اینکه امام رضا (ع) به جای کاخ مأمون، در میان مردم زندگی می‌کردند، هرچند این ارتباط و کمک امام رضا (ع) به مردم نسبت به زمانه فرق می‌کرد اما همه‌ی امامان یک هدف را دنبال می‌کردند و آن هدایت و نجات مردم از دسیسه‌های شیطان و نفس اماره بود، پس چگونه می‌شود باور کرد که امام عصر (عج)، دور از ما و بدون خبر و آگاهی از اعمال و افکار ما در غیبت باشند و در یاری و نجات ما هیچ اقدامی نکنند؟ باید اطمینان پیدا کنیم که ایشان حاضر و ظاهر هستند و این ما هستیم که در غیبت از وجود مبارک ایشان به سر

می‌بریم؛ همان‌گونه‌ای که پدران گرامی‌شان بین مردم زندگی می‌کردند و مردم در غیبت و غافل از وجود گوهر بار آنان بودند.

شیعیان به واسطه‌ی دور شدن امام رضا (ع) از مدینه و واقع شدن بارگاه ایشان در ایران، ایشان را غریب‌الغربا می‌نامند در حالی که امام رضا (ع) پیشوا و خلیفه‌ی همه‌ی مردم روی زمین هستند و در هیچ کجای زمین، غریب نمی‌باشد، با این وجود نه تنها ایشان بلکه همه‌ی امامان معصوم حتی در خود مدینه نیز غریب بودند زیرا مردم زمانه آنان درک و شناخت درستی از شأن و مقام امامت نداشتند. پس باید طبق فرموده امام عصر (عج) که فرمودند ظهور در کنار ماست، کافیسست دروتمان را پاک کرده تا مهر و لطف ایشان را در قلب و وجودمان احساس کنیم، با ایشان زندگی کنیم که عالم حقیقی هستند و آغوش پر مهرشان همیشه برای نجات و یاری مردم باز است.

اینک همان‌گونه‌ای که گفته شد برای آشنایی با وجود مقدس امام عصر (عج) باید عملکرد و تدبیر امامان گذشته را بشناسیم و یقین بدانیم که ایشان وارث تمامی آن‌ها هستند.

به یاری پروردگار منان در بخش‌های بعدی به تفصیل این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اللهم عجل لولیک الفرج

چگونگی تربیت نفس اماره‌ی امت توسط امامان در دوران گذشته.

درحالی‌که به ناتوانی‌مان در بیان شأن و مقام ملکوتی و زمینی مولای متقیان امیر مؤمنان، وصی برحق پیامبر اسلام، امام علی (ع) معترفیم در این مورد سخن را با حدیثی از ایشان آغاز می‌کنیم. امیر مؤمنان در مبارزه با نفس اماره، خودخواهی، جهل مردم و تربیت و آموزش و آگاهی آنان، سختی‌ها و رنج‌های بسیاری را تحمل فرمودند و لحظه‌ای از پا ننشستند. خطبه به خطبه، خط به خط و حرف به حرف نهج‌البلاغه گویای بخش کوچکی از تلاش‌های بسیار ایشان است. امام علی (ع) از همان آغاز رسالت پیامبر خاتم (ص) در کنار ایشان بودند و در امر رساندن پیام دین اسلام و راهنمایی مردم یار و یاور همیشگی حضرت رسول (ص) بودند. در روز غدیر، حضرت علی (ع) از جانب خداوند، رسماً به امامت امت مسلمان برگزیده شدند ولی با قدرناشناسی مردم و مکر و حيله‌ی منافقان قدرت‌طلب که برای رسیدن به آمال و آرزوهای خود از هیچ خیانت و جنایتی روی‌گردان نبودند، روبه‌رو شدند و زمینه‌ای برای فرصت‌طلبان منافق که آرزوی انحراف و شکست دین اسلام را داشتند، فراهم شد و پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) نقشه‌های شوم خود را به اجرا گذاشتند. امیر مؤمنان با آگاهی از این دسیسه‌ها، سکوت را چاره‌ی کار دیدند زیرا ایشان تنها به رضای الهی و پایداری دین اسلام می‌اندیشیدند و توجهی به پست و مقام دنیایی نداشتند، همچنین اگر دست به شمشیر می‌بردند همان می‌شد که دشمنان می‌خواستند یعنی از اسلام هیچ نشانه‌ای باقی نمی‌ماند. این جاهلان، غافل از این بودند که با پیمان شکنی و جلوگیری از حکومت امیر مؤمنان، نمی‌توانند مقام گران‌قدر و بزرگ امامت را از ایشان

بگیرند زیرا این مقام را خداوند کریم به ایشان عطا فرموده‌اند. در نتیجه امیر مؤمنان علی (ع) در مقام امامت به تلاش خود در جهت هدایت و نجات و راهنمایی مردم همت والا گماشتند و حتی ایشان در مورد آنانی که عهد و پیمان خود را شکستند چنین فرمودند: طعم و شیرینی بیعت با امام و ولی خود را کسی درک می‌کند که به آن وفادار باشد. عهدشکنان غدیر، آن شیرینی را به زهری خطرناک تبدیل کردند و آن زهر در جانشان آنچنان اثر کرد که نجات از آن ممکن نشد و مرگ در وجودشان نمایان شد و تلاش من برای نجات ایشان بی‌حاصل ماند و آنان مردند و بدنی مسموم را به قیامت می‌آورند تا سموم آن با آتش بسوزد و پاک شود.

واحیرتا که امام عهدشکنان و غاصبان خلافت را نادیده نگرفته و قلب نازنینشان غصه‌دار این است که با وجود تلاش ایشان، آنان از بند نفس و خودخواهی نجات پیدا نکردند.

امام علی (ع) در خطبه‌ی ۱۴ نهج‌البلاغه چنین فرموده‌اند: عقل‌ها و درک‌های شما سبک است و در آنچه طرح می‌کنید و برای آن نقشه می‌کشید، به بی‌عقلی و نادانی نزدیک‌تر است. پس عجب نیست که شما آماج تیراندازان می‌شوید و آن‌هایی که طمع خوردن دارند، شما را می‌خورند و وجود شما طعمه شکارچیان می‌شود.

چه زیباست سخن امیر مؤمنان (ع) در مورد آنانی که با بی‌عقلی، فریب عده‌ای قدرت‌طلب و منافق را خوردند و پیمانی را که در غدیر خم با خدا و رسول‌الله (ص) و امیر مؤمنان بسته بودند را شکستند.

اینک به گوشه‌ای از سخنان حکمت آموز و نصایح گهربار امیر مؤمنان که از اقیانوس علم و معرفت ایشان در نجات و تربیت نفس اماره است، اشاره می‌کنیم که فرمودند:

آگاه باشید که در این دنیا در صدد بر نیایید بیش از آنچه مورد احتیاج شماست به دست بیاورید و از دنیا فقط آنچه بخواهید که شما را به درستی به سوی سرمنزل مقصود راهنمایی می‌نماید. به شما توصیه می‌کنم که از دنیا بپرهیزید برای اینکه دنیا جای رفتن است نه جای زیستن. خداوند دنیا را برای دوستانش مهیا نکرده اما از بخشیدن آن به دشمنانش دریغ ننموده. خیر دنیا کم است و در عوض، شر آن بسیار. پس تو از خانه‌ای که از پای‌بست ویران و از عمری که از آغاز زندگی رو به مرگ می‌رود چه انتظاری داری که دارای ارزش باشد؟

همچنین ایشان در زمانی که به خلافت غصب شده‌ی خود رسیدند در مورد دشمنان خود چنین فرمودند: من به حق عمل می‌کنم و دینم را به دنیای هیچ کس نمی‌فروشم و بدون سبب این و آن را به قدرت نمی‌رسانم. من به سوابق آنان توجه می‌کنم و اگر از کارگزارانم خلافتی ببینم نمی‌بخشم و آن‌ها را فوراً برمی‌دارم؛ قاطعانه عمل می‌کنم و از هیچ ملامتی نمی‌ترسم. بیت‌المال را بی‌جهت به این و آن نمی‌دهم گرچه آن شخص فرزندم باشد.

بله این است حق و حق‌مداری و تربیت و آموزش انسان در تسلط بر نفس اماره که از زبان امیر مؤمنان بیان شد.

شکست شیطان و نجات و سعادت با طبع کسانی که ایمان آنان سست و به ظواهر دنیا دل‌بسته‌اند، سازگار نیست ولی ائمه معصوم با تمام وجود در جهت نجات امت با جان و مال و فرزند جهاد کردند و تا آخر عمر از این کار خسته نشدند و زخم زبان‌های دوست و دشمن را در عوض قردانی تحمل کردند.

صلح امام حسن مجتبی (ع) نمونه بارزی از این جهاد است که یکی از اتفاقات ارزشمند در راستای حفظ آرمان‌های اسلام و مسلمین بود. امام حسن مجتبی (ع) از یک طرف با خیانت یاران فریب‌خورده روبرو بود و از طرف دیگر معاویه با حيله و تزویر و بهره‌گیری از جهالت مردم، امام حسن (ع) و پدر بزرگوارشان امیر مؤمنان را جنگ طلب معرفی می‌کرد. معاویه سعی در ایجاد انحراف در دین و ریشه‌کن کردن شیعیان داشت و امام حسن (ع) برای مقابله با تهمت و خیانت، به اجبار صلح با معاویه را پذیرفت و این بدان معنا نیست که ایشان با معاویه سازش و رفتارهای ظالمانه و فساد انگیز او را پذیرفته بودند، بلکه بدین معنا است که دشمنان نتوانند در ظاهر بر علیه دین اقدامی کنند و این عمل امام برای کسانی که آگاهی و شناخت از امامت نداشتند، ایجاد شک و تردید کرد که چرا امام حسن (ع) با معاویه صلح کرد و مانند امام حسین (ع) قیام ننمود؟ باید بدانیم که نهضت عاشورای امام حسین (ع) ۲۰ سال بعد از صلح امام حسن (ع) روی داده است که ده سال آن هم‌زمان با امامت امام حسین (ع) می‌باشد، خود امام حسین (ع) نیز در زمان حیات معاویه همانند برادر بزرگوارش قیام را مصلحت نمی‌دانستند، زیرا معاویه مردی سیاست‌مدار بود و برای رسیدن به اهداف شوم خود، از هر راه ممکن بهره می‌جست، چه از راه دروغ، تقلب، رشوه، خریدن ایمان مردم و چه

از راه جنایت و کشتار فردی و جمعی مسلمانان. معاویه از طرف عمر و عثمان نزدیک به ۲۰ سال بر شام حکومت کرد و آنان نیز از او حمایت می‌کردند. معاویه کسی بود که توانست برخی از اصحاب رسول خدا (ص) که به مال و مقام دنیا علاقه داشتند را دور خود جمع کند تا برای او حدیث‌های جعلی از پیغمبر بسازند. از جمله همراهان همیشگی معاویه در توطئه‌ها، سیاست‌مداری حيله‌گر به نام عمروعاص بود، اما در مقابل کسانی که با امام حسن (ع) بیعت کردند کسانی بودند که جنگ‌های جمل و صفین و نهروان آنان را خسته کرده بود و یا افرادی همانند خوارج و طرفداران آنان بودند که بیعتشان با امام حسن (ع) برای غلبه بر معاویه و کشتن امام برای رسیدن به حکومت بود. افراد شایسته در میان یاران امام کم بودند و اگر معاویه در جنگ پیروز می‌شد عناد و دشمنی خود را با دین اسلام علنی می‌کرد و همه‌ی آرمان‌های اسلام را از بین می‌برد و مسلمانان راستین را از میان برمی‌داشت و این پذیرش صلح، ضربه‌ی مهلکی بر نیات شوم معاویه وارد ساخت زیرا او تصور نمی‌کرد که امام صلح پیشنهادی او را بپذیرد و او را در راه رسیدن به هدف شومش شکست دهد.

جان عالم به فدای امام حسن (ع) که نه تنها با حيله‌ی دشمن بلکه با جهل دوستان نیز روبرو بود. ایشان در حدیثی با دلی پر از غم و اندوه به یاران بی‌وفای خود چنین فرمودند: می‌دانم که شما با من مکر و حيله می‌کنید؛ گروهی که نه حیا دارند و نه دین، خود را تماماً تسلیم معاویه کرده‌اند؛ وای بر شما؛ به خدا قسم که معاویه به وعده‌های خود وفا نخواهد کرد. من خواستم برایتان دین حق را به پا دارم ولی شما مرا یاری نکردید و راه مخالفت را در پیش گرفتید. به من خیانت کردید. به خدا

سوگند اگر یآوری داشتم صلح را نمی‌پذیرفتم. همچنین ایشان در نامه‌ای به معاویه لعنة الله علیه چنین نوشتند:

من می‌خواستم حق را زنده گردانم و باطل را از بین ببرم و کتاب خدا و سنت پیغمبر (ص) را در میان مردم حاکم کنم؛ من پیشنهاد تو را می‌پذیرم با شرایطی که می‌دانم به آن‌ها وفا نخواهی کرد اما به زودی پشیمان خواهی شد ولی در زمانی که دیگر برایت سودی نخواهد داشت.

معاویه همانند ابوبکر و عمر و عثمان که خلافت را از امیر مؤمنان (ع) غصب کرده بودند، حکومت را از امام حسن مجتبی (ع) غصب کرد ولی نتوانست امامت را که یک مقام والای الهی است، از ایشان بگیرد؛ امام در آموزش دینی و تربیت نفس اماره‌ی شیعیان همت زیادی گماشتند. معاویه برای جلوگیری از این‌که امام مردم را آگاه کنند، با خدعه و نیرنگ، جَعده همسر امام را فریب داد و به‌وسیله‌ی او ایشان را مسموم و شهید کرد.

باید به این امر مهم یقین کامل داشت که هیچ زمان بین حق و باطل صلح و سازشی نبوده و نخواهد بود، بلکه هر یک از امامان در هدایت و آگاهی مردم به صراط مستقیم و نشان دادن حق و باطل به مقتضای زمانه‌ی خود کمر همت بستند که این تلاش و مبارزه گاه با شمشیر و جهاد، گاه با صلح و دعا، گاه با علم و تقوا و گاه با صبر و رضا همراه بوده است.

امام حسین (ع) همچون برادرشان ۱۰ سال صبر کردند تا چهره‌ی مکار و جنایت‌کار معاویه و اطرافیانش آشکار شود و زمانی که معاویه به درک

واصل شد، امام حسین (ع) فرمودند: معاویه مُرد و دل مردم پر از محبت اهل بیت و بغض بنی‌امیه شد. سیاست معاویه با مُردنش از بین رفت و خلافت به دست مردی احمق و مغرور و خام افتاد.

یزید برخلاف پدر ملعونش آشکارا و با بی‌شرمی از هیچ جنایت و گناهی ابا نداشت. شراب می‌خورد، قمار و زنا می‌کرد و همه‌ی مردم رسوایی بنی‌امیه را به چشم می‌دیدند. بر همین اصل بود که مردم ۱۲،۰۰۰ نامه از کوفه به امام حسین (ع) فرستادند تا ایشان در جنگ با یزید آنان را رهبری کند. وقاحت یزید به حدی زیاد بود که کاری را که پدر ملعونش هرگز جرأت انجام دادنش را نداشت، انجام داد و با بی‌شرمی به حاکم مدینه نوشت که یا از حسین بیعت بگیر یا او را بکش، این امر سبب گردید تا امام به مکه و از آنجا به کربلا عزیمت نماید.

ایشان در ابتدای سفر به همراهان و یارانشان چنین فرمودند: ما به کوه طوری می‌رویم که بت‌پرستان نفس اماره در غیبت پیامبرشان بر آیین پاکش گوساله‌ای ساختند و آن را متبرک نام نهادند تا فریب خوردگان دهر به گردش به چرخش درآیند و با حقیقتی بجنگند که به آن آگاه هستند. به‌زودی به قلعه‌ی طور می‌رسیم تا پیمان ببندیم و آنگاه با اضافه شدن زمان ۱۰ روز چهره‌ها را آشکار کنیم و گوساله‌ی سامری را در آتش بسوزانیم.

ایشان در مکه، در مقام حضرت ابراهیم (ع) ایستادند و چنین مناجات نمودند: پروردگارا، من امام این امت نافرمان هستم. شوق هدایتشان مانند هوایی است که در جانم وارد می‌شود، یاری‌ام کنید؛ کشیدن تیغ بر آنان که نامشان مسلمان است از زخم خوردن جانم به دست جهلشان دشوارتر

است. یاری‌ام کنید تا همگان را به زیر چتر اطاعتتان دعوت کنم و در مناجاتی در کربلا فرمودند: ای تعیین کننده‌ی هر ثانیه از حیاتم تا آنجا که بتوانم بندگان را به نعمت‌هایت مرزده می‌دهم و از آتش قهرت می‌ترسانم؛ و در آخرین خطبه‌ی روز عاشورا فرمودند: بیاید با دستی که فرزندانمان را کشته‌اید با من بیعت کنید و نجات یابید؛ من قاتلین فرزندانم را به نجات دعوت می‌کنم.

واحیرتا از این همه بزرگی روح و مقام و گذشت و علاقه به نجات انسان‌ها از بند نفس اماره و جهالت که در وجود مبارک امام حسین (ع) قرار داشت، دشمنان کمر به قتل ایشان و عزیزانش بسته بودند، در مقابل امام در اندیشه‌ی نجات آنان بود. از بزرگی و وسعت مهر و لطف ایشان حتی اقیانوس‌ها و کوه‌ها نیز شرمنده می‌شوند.

امام سجاد (ع) پس از نهضت عاشورا، امامت امت جدشان را به عهده گرفتند، در طول سفر از کربلا تا کوفه، شام و مدینه نسبت به آگاهی و افشای چهره‌ی ظالمان و منافقان و نجاتشان از جهالت و گمراهی با وجود تحمل سخت‌ترین مصیبت‌ها، همت والایی از خود به نمایش گذاشتند، به طوری که همه به خطا و گناه خود و اسیر شدن در بند نفس اماره و فریب خوردن از سران ظالم و منافق و اطاعت نکردن از نصایح حضرت اباعبدالله (ع) اعتراف کردند. امام سجاد (ع) در آن زمانه‌ی خفقان به وسیله‌ی صحیفه‌ی سجادیه، در قالب دعا و مناجات نسبت به تربیت و آگاهی شیعیان اقدام نمودند.

ایشان در قالب دعا مواردی همچون معارف اسلامی، اخلاق و حقانیت اهل‌بیت، شیعه واقعی بودن و انتقاد از ظلم و ظالم، سفارش به حق و

حقیقت و در نهایت چگونگی سرکوب و تربیت نفس اماره را به مسلمانان آموختند.

بعد از ایشان امام محمد باقر (ع)، در ۱۹ سال امامت خود، انقلاب فرهنگی شیعه را پایه‌گذاری و انقلاب علمی و اسلامی را آغاز فرمودند و بزرگانی از خاص و عام در اطراف ایشان جمع شدند و حقایق اسلام را منتشر کردند و بیش از چندین هزار نفر که فخر شیعه هستند، از محضر ایشان کسب فیض نمودند. امام محمد باقر (ع) با نشر علوم قرآنی سعی در برطرف نمودن جهل از جامعه اسلامی داشتند و بعد از ایشان، امام جعفر صادق (ع) نیز به نشر معارف اسلامی پرداختند و در این راه چندین هزار دانشمند را در علوم اسلامی تربیت نمودند. در مدت ۳۴ سال امامت امام صادق (ع)، خدمات آن حضرت به شیعه به حدی است که پایه‌گذاری مذهب شیعه را به ایشان نسبت می‌دهند، زیرا امام جعفر صادق (ع) با ردّ احادیث و روایت‌های کاذب و ساختگی و نقل و جایگزین کردن احادیث و روایت‌های صحیح، ضربه‌ای کاری بر پیکر منافقان فرود آوردند و خدمتی شایان به اسلام و شیعه نمودند و این کار را در اواخر عمر با تحمل سختی و دشواری‌های بسیاری به انجام رساندند تا شیعیان بتوانند به کمک این آموزه‌ها در پیشرفت عرفان اسلامی و تربیت نفس زکیه موفق شوند.

امام موسی کاظم (ع) همچون پدران پاک خود بر آزارهای دوست و دشمن شکیبا بودند و آنچه از جانب خدا به عهده داشتند را به خوبی به انجام رساندند، برای مردم احکام خداوند را تلاوت می‌نمودند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند. با وجود اینکه هارون عباسی لعنة الله

علیه سالها امام موسی کاظم (ع) را زندانی کرده بود ولی ایشان لحظه‌ای از هدایت و تربیت امت مسلمان، مخصوصاً شیعیان دست برنداشتند و در این راه امام بدترین و مفسدترین افراد را چنان تحت تربیت قرار دادند که آنان به مسلمانانی با ایمان بدل گردیدند.

دوره‌ی امامت امام علی بن موسی الرضا (ع) با حکومت یکی از مکارترین و جنایت‌کارترین غاصبین از خاندان بنی‌عباس، مأمون لعنت الله علیه مصادف بود. او در ظاهر از امام خواست که ولیعهد او باشد ولی در باطن به اجبار، امام را از مدینه به مرو آورد و امام رضا (ع) بار هجرت را بستند تا مردم و امت خویش را از دنیای فانی و زودگذر هجرت دهند، غم‌های فراق را به جان مبارکشان خریدند و تهمت‌های بی‌اساس را بر شأن آسمانی و مرتبت الهی خویش با گوش‌های مبارکشان مانند امام حسن مجتبی (ع) شنیدند ولی دست از امت خویش نکشیدند و عاشقانه بر فرامین الهی ثابت‌قدم ماندند. امام رضا (ع) آمدند تا وجودها را از تاریکی‌های نفس اماره به روشنایی اتحاد رقم زنند.

پس از شهادت امام رضا (ع)، امام جواد (ع) همچون پدران بزرگوارشان در راه مبارزه با ظلم و بی‌دینی و نفاق همت والا داشتند و در زمانه‌ای که حاکمان بر علیه سنت پیامبر (ص) و اهل‌بیتش جسورانه دشمنی می‌کردند، ایشان با عقل و درایت، در راه هدایت مردم کوشا بودند. ما دوستداران امامت، ایشان را الگو و اسوه‌ی جوانان شیعه می‌دانیم زیرا امام جواد (ع)، ایمان و تقوا را در نمادی بسیار زیبا و چشم‌نواز عرضه داشتند که این عملکرد می‌تواند جوانان شیعه را در انتخاب راه راست کمک نماید.

امام هادی (ع) در زمان شهادت پدر بزرگوارشان امام جواد (ع) هشت سال بیشتر نداشتند که عهده‌دار هدایت مردم شدند. با وجود سن کم، چنان این مهم را به خوبی انجام دادند که متوکل عباسی لعنة الله عليه برای کنترل و جلوگیری از تماس شیعیان با ایشان، امام را به سامرا تبعید کرده و در خانه‌ای که هم اکنون محل دفن ایشان است تحت مراقبت شدید قرار داد، غافل از اینکه نمی‌تواند مانع نور خورشید شود زیرا امام هادی (ع) هر روز با تدبیری جدید چنان چهره‌ی باطل او و اطرافیانش را برای مردم فاش می‌فرمودند که متوکل برای گریز از این رسوایی، از هیچ آزار و اذیتی در حق ایشان کوتاهی نمی‌کرد. پس از کشته شدن این ملعون به دست پسرش معتصم عباسی لعنة الله عليه، کار بر امام سخت‌تر شد تا اینکه ایشان را در سن ۴۱ سالگی به شهادت رساندند و امام حسن عسکری (ع) که به اعتراف دوست و دشمن مظهر ابهت پروردگار عالم، اهل‌بیت و اسلام بودند، با کرامات زیادی که داشتند به امامت رسیدند. ایشان برای زمینه‌سازی و تعلیم شیعیان جهت دوران غیبت فرزند بزرگوارشان حضرت مهدی (عج) تلاش بسیار نمودند. امام به شیعیان آموختند که در صورت عدم حضور فیزیکی امام عصرشان چگونه از کرامات وجود مقدسشان بهره‌مند شوند. امام حسن عسکری (ع) این مهم را با تحمل سختی‌ها و مشکلات فراوان و با دادن آموزش‌های لازم و سفارشات خاص به شیعیان به انجام رساندند.

اینک که از عملکرد و نحوه‌ی آموزش امامان به مسلمانان و نحوه‌ی مبارزه ائمه با نفس‌های بد و وسوسه‌های شیطان در هر دوره‌ای آگاهی پیدا کردیم، متوجه شدیم که با توجه به شرایط و مقتضای زمانه، امامان معصوم تدابیر خاصی نسبت به همان دوره در نظر می‌گرفتند که این

تدبیر فقط از عهده‌ی امام معصوم ساخته است. همه‌ی این تدابیر نشان از یک اندیشه و عملکرد دارد که آن نیز نجات انسان‌ها از جهالت و گمراهی و هدایت به سوی رستگاری در راستای توحید واقعی است.

باید باور کرد و یقین داشت که همه‌ی این تدابیر و عملکردها در وجود مقدس امام زمان (عج) جمع شده است و ایشان برای هدایت و نجات امت خود از نفس‌های بد و وسوسه‌های شیطان همانند پدران پاکشان همت والایی دارند.

اللهم عجل لولیک الفرج

نقش فردی در اطاعت از امامت و پیشبرد هدف امامت در رساندن پیام پروردگار عالم.

علی‌رغم عده‌ی کثیری از مردم که در بند شیطان و نفس اماره گرفتار بودند و با امامان معصوم در زمان حیاتشان و حتی پس از شهادتشان، مخالفت و دشمنی می‌کردند، در مقابل افراد قلیلی در کنار امامان بودند و در راه اطاعت و فرمان‌برداری از دستورات امامت و خشنودی امام عصرشان سختی‌ها، شکنجه‌ها، زندان، تبعید و شهادت را به جان خریدند و در یاری رساندن به امامشان در راستای ابلاغ پیام پروردگار و هدایت نجات مردم، لحظه‌ای کوتاهی و تردید نکردند.

به‌طور مثال از شیعیان صدیق و استوار در زمان امامت امیر مؤمنان (ع) می‌توان به مالک اشتر، مقداد بن اسود، کمیل بن زیاد نخعی، ابوذر غفاری، عمار یاسر و میثم تمار اشاره کرد که همگی در راه اطاعت و یاری نمودن امیر مؤمنان (ع) تا لحظه‌ی مرگ، پایداری ورزیدند. ابوذر به خاطر همین حمایت و یاری، با همسر و فرزندش به بدترین و خشک‌ترین محل تبعید و از گرسنگی و تشنگی جان باخت؛ عمار یاسر سال‌ها به‌واسطه‌ی شکنجه‌هایی که توسط مروان بن حکم شده بود، رنج بسیار کشید و در نهایت در جنگ صفین به شهادت رسید؛ میثم تمار پس از به زندان افتادن و شکنجه شدن به خاطر حمایت از امیر مؤمنان (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به دستور ابن‌زیاد ملعون زبانش بریده و به دار آویخته شد و مدت‌ها پیکر پاکش بر بالای دار ماند.

شیعیان راستین در زمان امام حسن مجتبی (ع) با وجود این‌که معاویه عده‌ی زیادی را مأمور کرده بود تا در تاریکی و غفلت، آنان را به قتل

برسانند و عده‌ای را نیز سال‌ها در زندان شکنجه می‌نمود، باز دست از حمایت امام حسن (ع) برنداشتند.

یاران امام حسین (ع) در کربلا، حماسه‌ای آفریدند که در تاریخ جاودانه شد. تمامی یاران حقیقی امامان دیگر نیز تا پای جان با گذشت و ایثارِ همه‌ی داشته‌های دنیوی خود همچون مال و زن و فرزند و قبول تمام محرومیت‌ها و آزارهای جامعه، در رساندن پیام امام عصرشان کوتاهی نکرده و همانا در اجرای دستورات نجات بخش قرآن در مورد مبارزه با نفس و شیطان و تشخیص حق و باطل و پیروی نکردن از ظالم، با تمام وجود کوشش کردند و در نهایت به سعادت رسیدند.

در مورد میثم تمار، یکی از معصومین چنین فرمودند: میثم تمار سخنان امیر مؤمنان (ع) را مانند وحی الهی اطاعت می‌کرد و یقین داشت که آنچه امیر مؤمنان (ع) می‌گوید، همان است که خداوند کریم می‌گوید. اگر هر زمان هرکس از بندگان خداوند کریم بتواند آن‌چنان زندگی کند که امیر مؤمنان (ع) را رهبر و اولیای خود قرار دهد، می‌تواند با سایه‌ی او یعنی امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) که برگزیده‌ی آخرین است، همراه و هم‌سفر شود و اگر سایه‌ی امیر مؤمنان را ندید، خود امیر مؤمنان (ع) را در طول زندگی زمینی‌اش ببیند؛ امام را الگو قرار دهد و دست به‌طرف سایه‌ی او دراز کند و از زندگی زمینی جزء به رضایت الهی و مدد مأمور او خارج نگردد.

نتیجه می‌گیریم که در زمان غیبت ظاهری امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج)، وظیفه‌ی مدعیان منتظر این است که همچون شیعیان واقعی صدر اسلام عمل نموده و رفتار کنند، در غیر این صورت فردی که

حاضر نیست در پیروی از امام عصر خود ذره‌ای از خواسته‌های دنیوی‌اش بگذرد و حتی در ناهنجاری‌ها و گناهان و کچروی‌های جامعه نیز شرکت می‌نماید، نباید امید داشته باشد که با گفتن «عجل علی ظهورک» و یا خواندن دعای ندبه، جزء یاران ایشان و منتظرین دولت‌ش قرار گیرد. باید که زندگی و عملکرد شیعیان راستین و یاوران حقیقی امامان گذشته را الگو و سرمشق زندگی خود قرار دهیم و تنها در این صورت است که شیعه و منتظر نام خواهیم گرفت.

در توصیف خصوصیات شیعه‌ی واقعی از زبان امیر مؤمنان علی (ع) چنین آمده است که فرمودند: اگر باور کنید کسی بتواند کوه بزرگی را با یک دست بلند کند و از جا بکند، آن وقت می‌توانید باور کنید که شیعیان را هم می‌شود با یک اشاره از راه بیرون آورد. اگر کار اولی دشوار بود، کار دومی هم دشوار است. آن کس که خود را شیعه می‌نامد، آن کوه است و اگر غیر آن عمل کند مانند دیوار شکسته است که هر آن با یک باد فرو می‌ریزد.

اللهم عجل لولیک الفرج

نزدیک شدن نفس انسان به مرحله‌ی تزکیه‌ی درونی و آمادگی پذیرفتن حقیقت زندگی برزخی.

ناپاکان، سست ایمانان و آنانی که در دوران غیبت برای اصلاح خود و جامعه قدمی برنداشته و توقع حضور در آن دولت را دارند، باید بدانند که در دولت ظهور فقط کسانی حضور دارند که در تربیت و نزدیک شدن نفس خویش به مرحله‌ی تزکیه‌ی درونی تلاش کرده باشند و اگر حقیقت زندگی در برزخ را پذیرفته باشند و آمادگی قبول مسئولیت یک منتظر واقعی را داشته باشند؛ حتی اگر قبل از ظهور این دولت نیز از دنیا بروند، امید است جز یاران امام زمان (عج) قرار گیرند و زمان ظهور را درک کنند. تمامی موارد ذکر شده ریشه در اندیشه، تفکر، خودشناسی، خداشناسی و دانستن جایگاه والای انسانی دارد. در این مورد بهره می‌گیریم از فرمایشات مولایمان که این‌گونه از زبان ما، ضعفمان را بازگو کرده و برای اصلاحش راهنمایمان می‌کنند:

شکر الله پروردگار یکتا را که جان بندگان خویش را به سوی خود فراخواند و زمان عمر را گنجینه‌ای که ثروتش اندوخته نمی‌شود مگر جان آدمی در رهنمودهای پروردگار عالم به سرای سعادت متصل شود و همواره لب بر آبشخور تربیت قرآن کریم نهد تا عطش جاننش را در مهر خالقش فرونشاند پس با برزخ پیش‌رو که در پرده‌ی ابهام است به کجا می‌روید؟ و زندگی پس از مرگ معمایی ناشناخته است و سردرگمی عمری که با گنجینه‌ی خلیفه پا به عرصه‌ی حیات نهاد و در ظلمت سؤال‌های پیچ در پیچ خود را فراموش کرده، درحالی‌که شجره‌ی جان بر قانون بقا استوار است و فنا در آن راهی ندارد، پس باید از خداوند کریم بخواهید که: یا

رب، بر جانی که همواره بر خود فنا را ترسیم نموده، رحمت آور تا طعم بندگی‌ات را به جان مشتاقش بچشانند. وعده‌ی پروردگار حق است، چه اراده‌ی رفتن داشته باشیم یا نداشته باشیم، باید که برویم پس تا دیر نشده زیربنای بندگی را بسازید، مصالح خوب و محکم را انتخاب کنید تا خانه‌ای محکم و زیبا را به پیشگاه پروردگار عالم ببرید تا در وعده‌اش به حقانیت آنچه که به واسطه‌ی مأموران آسمانی برایتان آماده شده برسید چون در فطرت هر انسانی الیه راجعون مقصد نهایی است، پس آنانی رستگارند که در جان نفسانی خود جز طاعت حق را نپسندند، پس مراقبه‌ی نفس را حیات خود و فرمان پروردگار را ضامنش قرار دادند تا در محدوده‌ی قرآن کریم بمانند و از طعمش بخورند و با حیاتش زندگی جاوید را تجربه کنند. او را دوستی بدانند که جدا شدن از او، مرگ را به دنبال دارد پس با عاشقان این معجزه‌ی الهی در دریای معرفت و کمالش مهمان می‌شویم تا جاغمان بر مبنای اخلاقی استوار گردد که دیگر تخریب در آن جایی نداشته باشد.

در ادامه سفارش گرانقدر بانوی دو عالم حضرت زهرا (س) را نقل می‌کنیم که فرمودند: در زمان غیبت فرزندم مهدی (عج) انسان‌ها می‌توانند با فرامین قرآن کریم و هدایت باطنی امام خود، نفس اماره را بکشند که جهاد اکبر است و جهاد با کافران عصر یا منافقین ظاهری و باطنی، نیاز به حضور فیزیکی و فرمان امام عصر دارد و این فرمان را همه با گوش‌های ظاهری باید بشوند و اطاعت کنند و شنیدن در باطن فقط می‌تواند باعث کشته شدن نفس اماره شود تا جامعه بتواند در سایه‌ی جهاد این افراد به زندگی سالم برگردد. پس وظیفه‌ی آن‌ها در دوران عمر،

مراقبت از حریم عقل است که باید با اولیاء پیوند محکمی داشته باشد تا بتواند چراغ روشنی باشد، هم برای خود و هم برای دیگران.

همچنین از امیر مؤمنان علی (ع) فرمایش بسیار گران قدری را بیان می‌کنیم که فرمودند: مبارزه با وجود امام باعث می‌شود تا آن وجود مبارک شهید شود و مبارزه در غیبتش باعث فرار مردم از دین و امامت می‌شود. برای مبارزه با کسانی که می‌خواهند تا راه خدا را از دل‌ها بیرون کنند و نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، ایمانتان را تقویت و اسباب رسیدن به معرفت توحیدی را برای خود فراهم کنید تا استواری ایمان شما از بین نرود. به دیوار محکم قرآن تکیه بزنید و خانه‌ی خود را با مصالح خوب و غیرقابل تخریب بسازید که خانه‌ی سست مانند خانه‌ی عنکبوت است که شیطان مبادرت به ریختن بنیان آن می‌کند. وجود مقدس آخرین امام، کمال کامله است، از این کمال سینه‌ها و چشم‌ها را منور کنید و آنچه را می‌گویید با آنچه را که انجام می‌دهید یکی کنید تا در مرحله‌ی جنگ با خدا و رسولش قرار نگیرید. چون انسان اگر با خداوند دورویی کرد فقط خود را نابود می‌کند؛ وجود خداوند بزرگ، ستودنی است.

امام علی بن موسی الرضا (ع) رمز نجات را در یک کلمه بیان کردند که هر قفلی، کلیدی دارد پس شاه کلید تمام دوران‌ها کلمه‌ی طیبه‌ی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است.

اینک با این مناجات به وجود مقدس مولایمان منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) متوسل می‌شویم:

یا مولا یابن رسول‌الله، یابن امیرالمؤمنین، یابن فاطمة الزهراء، ای فرزند بزرگان مقرب پاک‌نژاد و سروران شرافتمند، ای فرزند دریا‌های بخشش و ماه‌های نورافشان و چراغ‌های تابان هدایت، ای فرزند ستارگان فروزان و اختران درخشان و کامل‌ترین دانش‌ها، ای فرزند معجزات موجود و دلیل‌های آشکار و ای فرزند حجت‌های رسا و نشانه‌های استوار قرآن و برگزیدگان خداوند رحمان.

مولای ما، شما دارای همه آن خوبی‌ها و نیکویی‌ها و حسنات پدران گهربارتان هستید و چه زیبا آن را توصیف و تفسیر فرموده‌اید که: امروز هزار و اندی از روزی که ردای امامت را بر قامت آخرین وصی پیامبر پوشاندند گذشته است، آن روز سر مبارک امام حسن عسکری (ع) بر دامن منجی عالم بشریت چون گوهری می‌درخشید. نگاه پر محبت امام بر چهره‌ی آخرین وصی امامت مانند نگاه پیامبر خاتم (ص) بود بر چهره‌ی علی (ع) آنگاه که فرمودند: علی جان چه خواهی کرد با ردایی که امانت قرآن کریم است؟ او را بر قامت چون گوهرت می‌پوشانی تا نامم همواره در زمان تا قیامت بدرخشد و جانشینانم انوار آن درخشش باشند و اینک تویی که نامت همچون نام پروردگارم تاریکی و ظلمت را درهم می‌شکند و انوار رسالت را بر جان‌های مشتاقانش می‌نشاند پس به آغوشم بیا تا بویت را به ارمغان ببرم و امامت را بر جان شیرینت بچشانم تا هرگز طعمش را که طعم وحی است از جانت جدا نکنی و من صورتم را بر صورت امام عصرم چسباندم تا نفس مبارکش تا قیامت همراهم باشد تا آنگاه که به امر پروردگارم از دیده‌ها در حریم غیبت قرار می‌گیرم و زمان را در روزها و ساعت‌ها می‌گذرانم امام امت‌هایی می‌شوم که بوی یازده امام را در نام من می‌جویند آن را به مشامشان برسانم؛ پس امت من

آنگاه که نام مولایشان را بر زبان می‌آورند مجموعه‌ی امامت را می‌خوانند و همان‌گونه که در اسرار غیبت می‌اندیشند و به امید وعده‌ی الهی صبر می‌کنند تا ظاهر امامشان آشکار شود و بتوانند چهره‌ی یازده امامشان را در چهره‌ی آخرین وصی امامت ببینند باید شاکر خالقشان باشند که رودخانه‌ی خروشان امامت را همواره در جوش و خروش قرارداد تا تشنگانش بر سر سفره‌ی احسانش بنشینند و از طعام دل‌نشینش تناول کنند.

اللهم عجل لوليک الفرج

سخن آخر

خداوند کریم و رحمان و رحیم را شاکریم که با وجود ناسپاسی امت مسلمان وجودی مبارک و گران قدر و گهری بی نظیر را برای مؤمنان امت مسلمان حفظ فرمود. آیا ما جزء آن مؤمنان هستیم؟ حال به خود می‌نگریم و به خلقتمان می‌اندیشیم؛ آمده‌ایم تا به نام انسان شناخته شویم، بر دو پا راه برویم و چهره‌ی ظاهری‌مان مطلوب نگرستن باشد و دروتمان جز برای خالقمان فاش نشود؛ درونی که گاه بر عرش تکیه دارد و گاه بر فرش می‌تازد. اقیانوسی است بی‌قرار که شگفتی‌اش را جز آفریدگارش فاش کننده‌ای نیست پس با فرستادن رسولان و جانشینان رسولان رمز جان را می‌گشاید، او را به آغوشش مژده می‌دهد؛ به الیه راجعون می‌خواندش و منتظر بازگشت سفر کرده‌اش است تا به وعده‌اش او را بنوازد و یا رب یا ربش را در آغوش رحمتش پاسخ دهد. امر می‌فرماید مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. همگان طبق فطرتشان او را می‌خوانند ولی اجابتی را نمی‌یابند؛ جانشان در بیابان جهل گرفتار می‌شود. میدان جنگ آماده است؛ ظاهر و باطنش مقابل هم می‌ایستد؛ ظاهر در امر الهی خود را می‌آراید و باطن با ضربات شک او را مجروح می‌کند تا آنکه خود را می‌نمایاند، زبان را به معرفی اهدافش به سخن وامی‌دارد که فکر را در اختیار می‌گیرد. به راحتی آنچه را که از آن منع شده بود را حق جلوه می‌دهد و جهان را از هدایت تهی می‌بیند؛ کتاب‌های آسمانی دست‌نویس می‌شود و پیامبران الهی فرمانروایانی مستبد. برای اثبات اندیشه‌ی بیمارش به کاوش می‌پردازد و با دلیل و برهان به صف طرفدارانش می‌افزاید. جهانی بدون مدبر، همگان در این جهان رها شده در قتال یکدیگرند. می‌جنگند تا مرتبه‌ی بهتری را کسب

کنند. چه کسی جلودارشان است؟ پس آزادانه می‌شود شکار کرد و جانش را پاره پاره و شکم را از گوشتش انباشته نمود، پس در سایه‌ی جهان رها شده، بدون حساب و کتاب عمرش به پایان می‌رسد؛ حال اندیشه‌اش را گم می‌کند و آن شیفتگی که معمای عمرش بود او را به تماشای خود می‌خواند؛ دیگر چشمی برای دیدن ندارد؛ چه کسی را بخواند تا اجابتش کند؟ او را نمی‌شناسد. آن آغوش پر مهری که منتظرش بود جهنمی سوزان می‌شود و او را به خود می‌خواند تا در آن، اندیشه‌ی بیمارش را بسوزاند و رهایی برایش ممکن نشود.

پس دعای «اللهم عجل لولیک الفرج» باید بر پایه‌ی یقین و اخلاص استوار باشد در غیر این صورت اجابتی به دنبال نخواهد داشت زیرا باید بفهمیم آمدن چه کسی را از خداوند طلب می‌کنیم و ما در این کتاب سعی زیادی در شناخت واقعی امامت نمودیم و امید داریم به یاری خداوند متعال ثمربخش باشد و آخرین حجت را از فرموده‌ی امیر مؤمنان علی (ع) در مورد آخرین وصی پیامبر یعنی قائم آل محمد حضرت ابوالصالح المهدی (عج) را نقل می‌کنیم که فرمودند: تمام امت‌ها طعم بهشت و یا آتش خشم پروردگار را نخواهند چشید و وارد بهشت و یا دوزخ خواهند شد مگر به اذن آخرین وصی رسول خدا حضرت حجت (عج).

اینک با اندیشه و جان حقیرمان دست نیاز به دامان پر مهر امام عصر و ولی نعمتمان می‌گشاییم و از دستان قدرتمند ایشان کمک می‌گیریم. او را چگونه می‌شناسیم؟ آیا نقشش را در ذهنمان و محبتش را در قلبمان گنجینه‌ی وجود کرده‌ایم تا دست نیازمان را به اماممان بدهیم و رنج دوری‌شان را در گرمای جامان به ودیعه‌ی زمان بسپاریم و منتظر امر

الهی بمانیم؟ داروی ما چیست؟ بیماری سینهای مجروحمان به کدام شربت مداوا می‌شود که ایشان فرمودند: پاسخش در آیات قرآن کریم است که پروردگاران فرموده:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ ﴿آیه‌ی کریمه‌ی ۷۴ سوره‌ی مبارکه‌ی انفال﴾
آنانی که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند، آنان که جایشان داده‌اند و یاری‌شان کرده‌اند به حقیقت مؤمنان‌اند. آمرزش و روزی نیکو از آنها است.

پس درمانش را یافتید. اینک با دقت و اطاعت این دارو را بخورید تا سینهای مجروحتان شاهد قلبی سالم و تپشی درخور زنده بودن باشد. عشق را به افسانه مبدل نکنید بلکه نیازمندان را در حرارتش از سرمای جان خشکیده نجات دهید. امانت را در آیینهی قرآن کریم تماشا کنید و یقینتان را با عمل و اطاعت از فراز و نشیب وسوسه‌های شیطان برهانید تا نقشی را دوست بدارید که ضامن فردایی بدون یاور است آنگاه که نقش‌ها تغییر می‌کند و انسان خود را با اندیشه‌اش تنها می‌بیند ذهنش مددکاری را می‌خواند که همیشه با جانش قرین بوده پس عمرش را در گلستانی سپری کرده که اکنون موقع دیدن گل‌های آن گلستان است.

حال در خاتمه با پروردگاران این‌گونه نجوا می‌کنیم:

ای رب‌العالمین، فرمودی امانت را به کوه‌ها سپرده‌اید و آنان سرباز زدند و انسان آن را در جهالت درکش پذیرفت، جهالتی که افتادن از آغوش پروردگارش بود، از آغوش رحمتش به غربت سقوط کرد و آن را به آب

دیده آراست تا بازگشتش را بپذیری، بازگشتی که توبه ضامنش بود پس ای یاور بیچارگان به ما امانت‌داران امامت ترحم کن تا امانتی را که به دوش کشیده‌ایم با دوری از جهالت‌مان به سرمنزل اولیه برسانیم. پس در راه رساندنش ما را یاری فرما.

آمین یا رب العالمین

اللهم عجل لولیک الفرج

سالروز آغاز امامت حضرت مهدی (عج)

۹ ربیع الاول ۱۴۳۷ هجری قمری

۳۰ آذر ۱۳۹۴ هجری شمسی



www.rayatolhoda.com

